



در امر کانونه

\$1.50

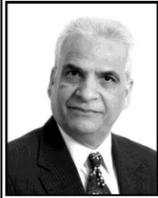
هفته نامه مردم افغانستان

شماره هفتم / سال بیست و سوم / چهارشنبه ۵ سنبله ۱۳۹۳ / اول ذی قعدة ۱۴۳۵ / ۲۷ اگست ۲۰۱۴ / شماره مسلسل ۹۸۰

**افغان مینې مارکیټ عرضه کوننده  
انواع مواد خوراکه وطنی**

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ که تازه ترین مواد خوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشه های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با **Western Union**  
6566 Backlick Rd. Springfield, VA 22150  
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

**بیمه استیت فارم**  
LIKE A GOOD NEIGHBOR,  
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:  
**Afzal Nasiri, Agent**  
8704 Sudley Road  
Manassas, VA 20110-4405  
**703-369-6224**

ماری خلیلی، افضل ناصری  
خانه، موتو، صحت  
حیات، تجارت



گل نرگس خمار آلوده سوی مرغزار آید  
که گوید ترک عزلت بر فراز شاخسار آید  
که سیل ارغوان ز آنجاسوی چاریکار آید  
فیوضی از مزار پاک شاه پامانر آید  
شب مهتاب پیش من کنار جویبار آید  
شادروان الحاج سید امیر انصاری

به صد ناز و ادا رقصد بنفشه در کنار جو  
کنید آگاه قمری را ز سرو سبز در گلشن  
مگر باران گل باریده بر دامان گل غندی  
الهی لطف فرما تا که با باد صبا هر صبح  
بود آیا امیر آن گل ز روی مهربانی ها  
شادروان الحاج سید امیر انصاری

**پروسه ابطال آرا صرف یک شوخی است**

۲۷ اگست/ کابل - روزنامه ماندگار: تیم اصلاحات و همگرایی تهدید کرد که خود را از پروسه تقیثش آرا که تحت نظارت سازمان ملل انجام می شود، کنار میکشد. فضل احمد معنوی، مسئول تخنیکي ستاد اصلاحات و همگرایی دیروز گفت: پروسه ابطال آرا صرف یک شوخی است و هیچ کسی اراده باطل کردن آرای تقلبی را ندارد. امروز من اعلام میکنم که اگر خواهستهای ما تافر داصح پذیرفته نشوند، ما به این پروسه ادامه نمی دهیم و هر گونه نتیجه برای ما هیچ ارزشی نخواهد داشت.

معنوی افزود: مجادله انتخاباتی هر پیمایمی که داشته باشد، ما مسئول آن نخواهیم بود. سازمان ملل از شکایتهای ما خبر دارد، اما نتوانسته به خواهستهای ما درست رسیدگی کند. کمسیون انتخابات تا کنون به هیچکدام از معیارهایی که ما برای جدایی آرای پاک از تقلبی تعیین کرده بودیم، عمل نکرده است. وی بطور نمونه به برخی مشکلات تخنیکي که کمسیون به آن هیچ توجهی نداشته و باردیگر هزاران رای تقلبی را در جمع آرای پاک وارد ساخته اشاره نمود:

شامل شدن آرای مراکزی که قبلا از سوی نهادهای امنیتی بسته اعلان شده بودند در جمع آرای پاک - مراکز خیالی - عدم ابطال هزاران چک لیست هاییکه توسط یک فرد امضا شده، عدم ابطال هزاران رای که توسط یک شخص علامت گذاری شده، عدم ابطال هزاران رای که بدون قطع شدن در صندوقها ریخته شده و از مسایلی بوده که آقای معنوی به آن اشاره نمود. او افزود کمسیون انتخابات و ملل متحد تنها حرف های آنان را شنیده؛ اما به آنان عمل نکرده است.

آقای معنوی تاکید نمود که هیچ اراده برای جداسازی آرای پاک از تقلبی وجود نداشته و تقیثش آرا تنها مشروعیت بخشیدن به آرای تقلبی بوده است. وی تصریح نمود: «بر خورد در برابر تقیثش آرا تخنیکي نبوده بلکه زیر سایه اهداف سیاسی پیش رفته است. اگر تا فر داصح که رسمیات آغاز می شود؛ همه خواهستهای ما قبول نشود؛ ما پروسه را خاتمه یافته اعلام میکنیم و دیگر این پروسه را ادامه نمی دهیم و دیگر این پروسه برای ما قابل ارزش نیست و نتیجه آن برای ما ارزشی ندارد. این که بعد ملل متحد این را ادامه می دهد؛ کمسیون ادامه می دهد؛ تیم حریف ادامه می دهد کار خودشان است و مسئولیت ما بعد از فردا درین پروسه نخواهد بود. این که پیامدهای آن چی خواهد بود؛ مسئولیتش به ما بر نمی گردد؛ مسئولیتش به کسانی بر می گردد که با ما در این چند هفته فریب کاری کردند و هیچ گونه دیدگاه معقول ما را نپذیرفتند.»

متحدین غری افغانستان امیدوارند که رییس جمهور جدید افغانستان پیش از چهارم سپتمبر معرفی شود. قرار است در همین تاریخ نشست ناتو در ویلز بریتانیا برگزار شود. کشورهای اشتراک کننده در این نشست در مورد کمک به افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی در پایان سال، رایزنی خواهند کرد. در صورتیکه انتقال قدرت صلح آمیز باشد، ایالات متحده امریکا و متحدین غری افغانستان، پس از گذشت ۱۳ سال جنگ بدون نتیجه، میتوانند بگویند که تا اندازه ای در این کشور موفق بوده اند.

**کری خواهستهای تیم اصلاحات را معقول دانست**

۲۵ اگست/ کابل - کو کچه: یک عضو ستاد اصلاحات و همگرایی گفت: پس از اعتراض تیم اصلاحات به روند تقیثش و ابطال آراء، و تصمیم این تیم مبنی بر خروج از روند تقیثش، جان کری وزیر امور خارجه امریکا طی تماس تلفونی با داکتر عبدالله، خواهستهای این تیم را موافق دانسته و افزود: قرار است نماینده خاص امریکا در امور افغانستان و پاکستان نیز به کابل سفر کند و با مسئولین تیم اصلاحات گفتگو نماید. این تماس و گفتگو در حالی صورت می گیرد که عصر امروز مسئول تیم تخنیکي داکتر عبدالله اعتراض شدید خود را مبنی بر عدم توجه به خواهسته های این تیم، اعلام کرده بود.

فاضل سانچار کی مسئول دفتر مطبوعاتی تیم عبدالله نیز طی یادداشتی خبر از تشدید دیدارهای مقامات بین المللی با سران تیم اصلاحات و همگرایی دادو گفت رهبران این تیم بهیچ عنوان به قلب، مشروعیت نخواهند داد. وی مدعی شد که سیل پیامها و درخواستها از سراسر کشور میرسد که آماده دفاع از آراء خود هستند و اجازه نمی دهند که قلب سرنوشت سیاسی کشور را تعیین کند.

**دنباله تردید سخنان وزیر داخله پاکستان**

وزیر داخله پاکستان را به شدت رد می کند و کاملاً بی اساس و عاری از حقیقت میدانند. هدف شان مغشوش ساختن اذهان مردم پاکستان و ایجاد هراس در میان تظاهر کنندگان است و بس.

قبل از این نیز مقامات پاکستان بارها افغانستان را متهم به دست داشتن در ناامنی های کشورشان کرده بودند که این ادعاها به شدت از سوی مقامات افغانستان رد شده بود.

**خوشبینی برای بهتر شدن حاصلات انگور هرات**

۲۲ اگست/ هرات - باختر: در آستانه برگزاری جشنواره انگور در شهر هرات، مسئولان دولتی از افزایش تا کستانها خبر میدهند. گفته های وجود دارد که اضافه از ۵۰ هکتار زمین از سوی زمین داران در ولایت هرات امسال به تا کستان تبدیل شده است. احداث این تا کستان ها میزان اراضی باغ انگور در ولایت هرات به ۷۹۵۰ هکتار رسید. با کیفیت بودن میوه انگور، وجود مار کیت مناسب برای فروش این محصول و تقاضای زیاد بازار با قیمت مناسب از جمله عواملی ذکر شده که در افزایش ایجاد تا کستان ها در این ولایت نقش داشته است.



فردا نخستین جشنواره انگور در شهر هرات برگزار خواهد شد. تا کستانهای هرات عمدتاً در ولسوالیهای انجیل، گنره، پشتون زرغون، کرخ و زنده جان موقعیت دارد. ادریس زلال مدیر عمومی باغداری ریاست زراعت میگوید: (ص آخر)

**برگزاری جشنواره توت در پنجشیر**

۱۸ اگست/ پنجشیر - باختر: برای چهارمین بار جشن توت در ولایت پنجشیر برگزار شد. درین محفل شمار زیادی از شاعران، نویسندگان، فعالین مدنی و استادان دانشگاه اشتراک کرده بودند. محمدمعلم ایزدیار معاون مجلس سنا ضمن خوش آمدید به مهمانان، جشنواره توت را از میان جشنواره های فرهنگی خواند که در تمام نقاط کشور به نامهای مختلف و مناسبت های مختلف راه اندازی می شود. آقای ایزدیار برگزاری جشن توت در پنجشیر را در کنار جشنواره گل نارنج در ننگرهار، جشنواره گل ارغوان پروان، جشنواره گل انار قندهار بیان کرد. او از وزارت اطلاعات و فرهنگ خواست تا جشن توت و برنامه های نظیر آن را بهیچ جشنهای مردمی ثبت نمایند.

سیمین غزل حسنزاده معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ در سخنرانی خود گفت: خرسندم که با وضعیت سیاسی ای که در کشور حاکم است، با آنهم همچو محافل برگزار میشود؛ تدویر این محافل به این معناست که به جهانیان نشان دهیم که دارای چه فرهنگ و ارزش های الایی هستیم. برگزاری این محفل در واقع مارا وادار میسازد بیشتر تلاش کنیم تا همچو جشنواره ها را راه اندازی کنیم. مصدق خلیلی معین فرهنگی وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت خوشحالم که در گوشه و کنار افغانستان همچو جشنواره هایی برگزار میشود و وزارت اطلاعات و فرهنگ به تمام واحدهای دومی اش در ولایات دستور داده تا همچو جشنواره های مردمی را ثبت و راجستر نمایند.

مولانا عبدالرحمن کبیری والی پنجشیر ضمن قدر دانی از برگزار کنندگان این جشنواره گفت از برگزاری چنین جشنواره هایی حمایت میکند. او وعده سپرد که در راه شگوفایی فرهنگ بومی این ولایت تلاش به خرج خواهد کرد. این چهارمین باری است که این محفل از سوی ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت پنجشیر به حمایت محمدمعلم ایزدیار معاون اول مجلس سنا، بنیاد شهید پناه و بنیاد ابو مسلم خراسانی راه اندازی شده است.

**تردید شدید سخنان وزیر داخله پاکستان**

۱۲ اگست/ کابل - کو کچه: وزارت امور خارجه افغانستان با انتشار اعلامیه ای گفت: اظهارات وزیر داخله پاکستان صرف به هدف اغفال اذهان مردم پاکستان و ایجاد هراس در میان تظاهر کنندگان، صورت میگردد. اخیراً و در جریان تظاهرات هزاران شهروند پاکستان، وزیر داخله این کشور گفت اداره امنیت ملی افغانستان تلاش دارد تا در اجتماعات مردمی عملیات انفجاری و حملات انتحاری راه اندازی کند. او به تظاهر کنندگان هشدار داده بود که در صورت اجتماعات بزرگ مردمی، تروریستان وابسته به اداره امنیت ملی افغانستان در صدد انجام حملات انتحاری هستند. احمدشکیب مستغنی سخنگوی وزارت خارجه افغانستان در مصاحبه با رسانه ها درین باره گفت پناهگاه تروریسم پاکستان است و افغانستان هرگز از تروریسم و افراطیت حمایت نکرده است. وزارت خارجه افغانستان این اظهارات (ستون ۳)

**مراسم تحلیف بعد از ۱۰ سپتمبر عملی خواهد بود**

۲۸ اگست/ کابل - بی بی سی: بیان کویش فرستاده ویژه دبیر کل سازمان ملل در کابل در دیدار تازه خود با کرزی گفت روند بررسی آرا خوب پیش می رود اما پایان دادن به این روند در دوم سپتمبر ممکن نیست. در خبرنامه ریاست جمهوری آمده که کویش قویاً اظهار امیدواری کرد پروسه تقیثش آرا تا ۱۹ سنبله سال (۱۰ سپتمبر) به انجام برسد.

**آی اس آی در صدد ناامنی افغانستان است**

۲۷ اگست/ کابل - باختر: اداره امنیت ملی میگوید استخبارات پاکستان رهبری جنگهای اخیر طالبان افغانستان را به عهده دارد. حسیب صدیقی سخنگوی اداره امنیت ملی گفت دشمنان کشور میخواهند از طریق تروریستان حساسیت سیاسی کشور را به ناامنی میدل نمایند و مردم را نسبت به آینده سیاسی بی باور ساخته وضعیت امنیتی افغانستان را با مشکل مواجه سازند. خوشبختانه نیروهای امنیتی کشور توانایی آنرا دارند که در میدان نبرد با دشمنان مقابله نمایند و به همه ثابت نمایند که مبلغین جنگ نمیتوانند وضعیت امنیتی کشور را خراب نمایند.

**پلیس «پلنگ» تخار را در قفس انداخت**

۲۷ اگست/ فندز - باختر: مولوی عبدالرحمن مشهور به پلنگ رئیس کمسیون نظامی طالبان در ولایت تخار در روز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. این قوماندان طالبان زمانی با سه همکارش در ولسوالی رستاق ولایت تخار بازداشت شدند که مصروف طرح ریزی حمله بالای زندان آن ولایت بودند. در حال حاضر بیشتر از ده طالب مسلح که به جرم رهبری و انجام فعالیت های هراس افکنانه گرفتار شده در زندان زندانی اند. مولوی عبدالرحمن مشهور به پلنگ مسئول کمسیون نظامی طالبان در ولایت تخار به ناهای مولوی عبدالخالق، قاری شفیق الله و قاری اسدالله با سه همکارش در پی یک عملیات اوپراتیوی نیرو های امنیتی آن ولایت بازداشت گردیدند. با ارسال گزارشهای پلیس، این قوماندان طالبان چندین حمله انتحاری و تخریبی را در این ولایت رهبری کرده است که در آن ده ها غیر نظامی جان باخته اند.

مسئول پلیس تخار گفت افراد متذکره در تحقیقات ابتدایی به جنایتهای که مرتکب شده اند اعتراف نموده گفته اند، به دستور مستقیم حلفات استخباراتی آنسوی مرز فعالیت های تروریستی را در ولایتهای شمالی به خصوص تخار سازماندهی و اجرا می نمودند.

**پوزش خواهی ایساف از شهادت غیر نظامیان**

۲۶ اگست/ هرات - باختر: قوماندانی ایساف زون غرب از بازماندگان شهدای حمله اخیر هوایی ولسوالی شنیدن (سبزوار) پوزش خواست. معاون آن قوماندانی که بحضور داشت سید فضل الله وحیدی والی هرات با خانواده ها و بازماندگان دیدار نموده اطمینان میدهد که بار دیگر همچو حملات تکرار نخواهد شد. خانواده ها و بازماندگان شهدای این حمله هوایی نیز که پیش ازین از کمکهای ریاست جمهور و دولت افغانستان نیز بهره مند گردیده اند خواهان قطع حملات هوایی شدند. والی هرات نیز بار دیگر ازین رویداد غم انگیز ابراز تاسف نمود و از نظامیان خارجی خواست تا در هنگام عملیات های نظامی شان غیر نظامیان را آماج قرار ندهند.

معاون قوماندانی ایساف عمیق ترین تأثرات خود را بخاطر مرگ غیر نظامیان ابراز داشت و تاکید نمود که این رویداد بصورت اشتباهی صورت گرفته است. او آمادگی این نیروها را بخاطر طرح و اجرای پروژه های بازسازی در روستایی که این حمله رخ داده را اعلام کرد.

**انفجار در هرات یک شهید و چهار زخمی بجا نهاد**

۲۶ اگست/ هرات - باختر: انفجار ماین کنار جاده امروز در ولسوالی غوریان یک کشته و چهار زخمی بر جا گذاشت. رویداد هنگام عبور کاروان موترهای غلام فاروق مجروح نموده مردم هرات در پارلمان و همراهانش که از ولسوالی زنده جان بسوی غوریان در حرکت بودند رخ داد. کاروان در منطقه گندم منه ولسوالی غوریان هدف ماین کنار جاده قرار گرفت که در آن یک نفر هلاک و چار نفر بشمول دو پلیس زخمی شدند.

**هلاکت نه طالب پاکستانی در کامدیش**

۲۵ اگست/ نورستان - باختر: نه طالب پاکستانی در جریان تازه ترین درگیریها صبح امروز در نور خظ دیورند در حومه بازار ولسوالی کامدیش ولایت نورستان هنگامی رخ داد که گروهی از طالبان بریک قرارگاه نظامی پلیس سرحدی حمله کردند. به گفته قوماندان پلیس، کشته شده ها باشند های وزیرستان و پنجاب بودند. نظامیان در پایان این درگیری به چندین جنگ افزار سبک و سنگین طالبان پاکستانی دست یافته اند.

شاهدان عینی میگویند مهاجمان از نزدیکی یک قرارگاه نظامی پاکستانیها گذشته در این طرف خط دیورند برقرارگاه سربازان پلیس سرحدی حمله کردند. بگفته این باشند ها، بقیه مهاجمان دیواره به آن سوی خط دیورند فرار کردند.

**WORLDWIDE TRAVEL INC.**

CHEAP AIR FARES TO **KABUL** FROM ALL U.S. CITIES  
DUBAI EUROPE PAKISTAN

MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS



**866 977 9015**

**PROTECT YOUR WORLD**  
AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT

**AF Insurance Group** Allstate  
(703) 348-6247  
13044 Fair Lakes Shopping Center  
Fairfax Virginia 22033  
abdulfitrat@allstate.com

We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.

Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE. Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.



### «حکومت وحدت ملی» در صفحات فیسبوک

*(رُخ ناما)* یعنی (فیسبوک)، که ازسربترین رسانه های امروزی در سراسر گیتی، به شمارمیرود، محلی برای *تبادلۀ آراء وافکار* اشخاص درباب های مختلف و متفاوت می باشد، که بعضاً گردش دراین صفحات، ممکن انسان را به اصطلاح از خواب و خوراک هم بازدارد، چرا که مطالب جالب مندرج آن، جوینده را ازین رختنا به رختنا می اندازد، و سرانجام شب او را به صبح می رساند.

ازین هفتۀ به بعد کوشش میشود تا *مطلبی از انبوه مطالب رخ نماهای هموطنان را درین جریده پیشکش کنیم، و مطلب امروزی را از تبادل افکار و انظار سه شخصیت علمی کشور، درباب (حکومت وحدت ملی) را به نظر خوانندگان گرامی می آوریم:*

آقای ملک ستیز، طوریکه در معرفی ایشان در تلویزیو نه‌ای داخلی می آورند (آگاه مسایل سیاسی) هستند. ایشان دربارهٔ حکومت وحدت ملی سه هفته پیش در رختنای خود نگاشتند :

از مدتیست که نمایندگان ستادها روی ایجاد «حکومت وحدت «ملی بحث می نمایند.

روز نخست: ما روی تعریف «وحدت ملی «کار کردیم.

تبصره: اگر نمایندگان ستادها تعریف وحدت ملی را نهایی سازند، تاریخ سیاسی افغانستان را رقم خواهندزد و جهان اولین تجربه تعریف وحدت ملی رادر افغانستان گواه خواهد بود. دیگر اینکه این نمایندگان با کدام بار مشروع حقوقی دست به چنین شهکاری می‌زنند؟

روز دوم: ما روی ساختار «نظام سیاسی «کار کردیم.

تبصره: آیا تشخیص و تعیین ساختار نظام سیاسی کارچهل تن از نمایندگان ستاد های انتخاباتی است؟ به باور این قلم حتا لویه جرگه نباید دست به چنین کاری بزند.فقط رفر بندوم صلاحیت چنین کاری رادراد.از تجربه ترکیه باید آموخت! روز سوم: ما روی صلاحیتهای رئیس جمهور و رئیس اجرائیه بحث داشتیم. تبصره: هیچ نهادی به نام رئیس اجرائیه با قوانین امروزی افغانستان سازگار نیست. مگر چگونه ممکن است که شما روی صلاحیت‌های رئیس جمهور تصمیم می گیرید؟

به باور این قلم این چهل تن خاننها و آقایان باست روی نکات زیر کار نمایند:
– زمینه سازی ذهنیت سیاسی برای رفرم‌های حقوقی. این اصل پیش شرط مهم برای همه برنامه های جاری در کشور است.

– ایجاد میکانیسم‌های گرایش برای پذیرش اصلاحات از سوی نهاد های حقوقی و سیاسی.

– مدیریت و سازماندهی گروه‌های تخنیکی، سیاسی و تخصصی کاری روی مفاهیم و اصطلاحات ملی و زمینه سازی برای هم‌آهنگی آن‌ها با فرهنگ سیاسی ملی و بین المللی.

– طرح منشور همگرایی هردو ستاد برای پذیرش اصلاحات حقوقی به صورت قانونی و فرسایشی بعنوان اولویت کاری حکومت جدید.

من بعنوان متخصص علوم سیاسی دیدگاه‌هایم را مطرح کرده ام و حاضر به معاونت و همکاری برای بهبود وضعیت کنونی هستم. تقدمن کاملاً بر بنیاد اندوخته های تخصصی من است و هیچ‌گونه مخالفت و یا هم‌گرایی سیاسی با هیچ‌جانبی ندارد./

جناب داکتر ملزاد، درواکنش به مطلب بالا چنین نگاشتند:

تبصرهٔ کوتاهی بر نبشۀ جناب ملک ستیز

ستیز گرامی! من به شخصیت و دانش سیاسی شما احترام زیاد دارم. ولی وقتی این نوشتهٔ شما را خواندم، هیچ باورم نمی‌شود که از شما باشد. زیرا اگر این نوشته برداشت سیاسی شما از وضع جامعه و موضع گیرهای تان در شرایط فعلی کشور باشد، صد ها آفرین بر اشرف غنی و طرفداران سرسخت نظام ریاستی موجود که در مورد بحث روی وحدت ملی و ساختار نظام سیاسی و صلاحیت های رئیس جمهور و آقندر سخت گیری های (شاید هم ظاهری) نشان نداده اند که شما نشان داده اید.

مگر این مباحث کدام تابوهای مقدسی اند که دو تیم، دونفر یا چند نفر روی آنها گفتگو نکنند، یا حتی این کار از صلاحیت لایو به جرگه هم نباشد و برای آن لایفر نماند ضرورت باشد؟ این برداشت تان زادهٔ کدام تفکر در کدام مکتب سیاسی است؟

آیا علت اصلی تمام بدبختی های جامعهٔ ما همین ساختار نظام ریاستی متمرکز و صلاحیت های نامحدود رئیس جمهور غیر پاسخگو نیست که باعث از بین رفتن وحدت ملی و تفرقه قومی گردیده است؟ مگر همین قانون اساسی و نظام سیاسی را یک لویه جرگه تصویب نکرده و مطابق همین قانون اساسی باز هم یک لویه جرگه صلاحیت تغییر آترادارد؟ از این هم صرف نظر میکنیم که بیش از ۵۰ فقره در این قانون اساسی بصورت جعلی داخل شده، موعد رئیس جمهوری در ماه جوزا سپری شده، رئیس ستره محکمه، لوی سارنوال، ثلث مشرانو جرگه و... غیر قانونی اند و دهها مورد دیگری که عملا قانون اساسی زیر پا گردیده است...

در حالیکه کشور در بحران عمیق سیاسی قرار دارد، گوسفندان امرخیل در داخل صندوقهای کمسیون انتخابات بع بع دارند و صد ها ناظر بین المللی جمع شده اند تا آنها را بیرون کنند، شما مشوره میدهید که بحث سیاسی بالای مسایل نهایت اساسی (ساختار نظام و صلاحیت های رئیس جمهور) کنار گذاشته شود و روی زمینه سازی ذهنیت برای رفرم های حقوقی، پذیرش اصلاحات، مفاهیم و اصطلاحات ملی (؟) و... بحث و گفتگو کنند؟

ستیز گرامی! از اینکه من هیچگونه تخصص رسمی در علوم سیاسی ندارم، شما با بزرگواری خویش با این برداشت هایم به دیدهٔ اغماض بنگرید. سرفراز باشید بالاخره آقای داکتر نوید پارسا، در زمینه چنین ابراز نظر کرده اند :

محترم ملزاد صاحب ! با الهام از نوشته جناب شما، من هم درباره تبصره های آقای ملک ستیز مختصراً می‌نویسم :

۱ . تبصره بر تبصره نخست آقای ستیز: برای کار کردن برای تعریف وحدت ملی در کشوری که مورد تجاوز و تهدید تروریزم دولتی یا کستان قرار گرفته ( مستقیم و یا از طریق اجیران وابسته به پاکستان) ضرور نیست تا طور طعنه گفته شود که (جهان اولین تجربه تعریف وحدت ملی رادر افغانستان گواه خواهد بود... با کدام بار مشروع حقوقی دست به چنین شهکاری می‌زنند).

شرایط عینی هر کشور فرق میکند. در تاریخ سیاسی جهان دیده شده که، بویژه در حالت جنگ و بحران برای نجات یک کشور تمام احزاب و یا احزاب عمده در یک تشکل واحد با برنامه واحد وارد میدان میشوند. این حرکت سیاسی برای پروفیسرهای دانشگاهها کار نمیکند تا تعریفی تهیه کنند، بلکه روی برنامه واحد سیاسی کار می نمایند، و این عمل میهندوستانه درین مرحله به کدام مشروعیتی ضرورت ندارد و طبق قانون اساسی کشور خطوط اساسی سیاست کشور برای تصویب به مجلس فرستاده می‌شود.

۲ . تبصره بر تبصر دوم ملک ستیز: تعیین و تشخیص و ارائه طرحی برای ساختار نظام سیاسی حق هر سازمان سیاسی و حتی افراد است. نهادهای سیاسی و افراد حق دارند برای تعدیل قانون اساسی بحث نموده و طرحهایی را ارائه نمایند. چنین معلوم میگردد آقای ستیز که خود را (متخصص علوم سیاسی) معرفی نموده

فرهاد میرزا

**خداکند خیال پلو ما به حقیقت پیوندد**
اندل – ورجنیا
در هر کشوری که انتخابات دموکراتیک صورت میگیرد، و مردم رأی شانز ابرای نامزد دلخواه شان درصندوقهای رأی میریزند، توقع دارند عملیۀ انتخابات، مخصوصاً شمارش آراء که تعیین کنندهٔ زعیم آیندهٔ کشورشان است، بصورت شفاف، عاری از قلب و مداخله و زور و فشاری صورت بگیرد.

مردم کشور ما نیز باوجودوضع نهایت خراب جوی وامینیتی که البته عامل بزرگ آن حملات طالبها (مزدوران و غلامان حلقه بگوش آی اس آی پاکستان)، به منظوربر آوردن اهداف سیاسی بادران شان در کشورماست، بدون ترس ولرز باجرائت وشهامت زیاد به حوزه های انتخاباتی رفتند، و رأی شانزابه نفرمطلوب شان دادند، تاهرچه زودتر از شر ملاحامد وحکومت فاسد، بیکاره و آغابی او رهایی یابند. اماپیخر از آنکه هنوزهم این ملاحامد است که برای آنها رئیس جمهور تعیین میکند، نه رأی آنهادرصندوق های رأی دهی !

تقلبات سازمان یافته و گستردهٔ ارگ ریاست جمهوری ونهادهای انتخاباتی تسلیم به آنها، در درواول ودوم انتخابات، طوریکه دیدیم به نفع یک نامزد مشخص، که رسوایی های شرم آور آن سبب شد که حکومت امریکا مداخله کند ویا پیشنهادوزیر خارجهٔ آن کشور یابد شمارش صدردصد آراء بصورت شفاف ومطابق به نورم وستندرد بین المللی توسط کارشناسان ملل متحدصورت بگیرد. امامتأسفانه باز هم بامداخلهٔ غیر مستقیم ملاحامد این نهادهای متقلب، که خودداعث اینهمه رسواییهاشده بودند، و باید در شمارش مجدد آراء بایدهیچ سهمی نمی داشتند، کمافی السابق همه کاره هستند، و تمام مساعی شان براینست که ابطال آراء که جزعسیارمهم در شمارش آراء است، نباید صورت بگیرد. و اگر احياناً بنا بر اصرار نیم عبدالله و کارشناسان ملل متحده به آن پرداخته شود، می کوشند به انواع واقسام مختلف موامنی ایجاد نمایند وجلو ابطال آراء رابگیرند، تا تقلبات گسترده و ننگین آنها بر ملا نشده ونامزد دلخواه شان بازنده اعلان نگردد ! مخالفتها، برخاشها وحتی جنگهای تن به تن تیم عبدالله باچاقوقیچی یا آنها، بنا بر همین ملحوظ بوده است.

چنانکه در نوشتهٔ قبلی نوشتم، موضوع تخنیکی انتخابات که برخلاف تشکیل حکومت وحدت ملی (رکن سیاسی مسأله) به آن توجهٔ کمترمیدول شده، حائزاهمیت فوق العاده است، یابگویم جان مطلب است. اینکه میگویند بازنده وبرنده در میان نیست وهردو برنده اند، حرفی است بی ارزش ومیان خالی ! برنده برنده است، وبرنده، رئیس جمهور کشوراست، که به اساس آرای بیشتر مردم انتخاب شده وقانون اساسی اورا از صلاحیتهای بخصوص برخوردار ساخته است. هر کس به فرمان او مقرر یابر طرف میشود. صدراعظم یارئیس اجرائیوی حکومت که توسط او تعیین میشود، باید مطابق خط مشی و اجندای کاری او اجراءات نماید. لهنذا در تشکیل حکومت وحدت ملی ویا هر نامی دیگر که به او میدهند، نمی شواز صلاحیتهای رئیس جمهور بکاهند، و یا به کس دیگری نظراو صلاحیتی بدهند.

بلی، اینکارممکن است، زمانی که لویه هجرگه دائر ودر صلاحیتهای رئیس جمهور وقانون اساسی تغییراتی یاورند، وقسمتی از صلاحیتهای او را به کسی دیگر تفویض نمایند، که به نظر من این بسیار مضحک و مسخره است، وازچنین حکومت وحکومتداری معجون مرکب، به اصطلاح عامیانه (هیچ چیز بور نخواهد شد)!

از آن گذشته، در تشکیل حکومت وحدت ملی، به هر رنگی که آترا پی ریزی میکنند، چیزیکه مهم است ومیتواند تانانازۀ به آن رنگ حقیقت بدهند، شمارش شفاف آراء وابطال آراء است، که طرف قناعت هردو نامزدباشد، وبرندهٔ چنین انتخابات که واقعأ رئیس جمهور کشوراست، برای همآهنگی ویک اتحادملی، که متأسفانه در حال حاضر علایق قومی وسمتی از هر وقت دیگر مارا ازهم نهایت دور ساخته است، تدابیری اتخاذنماید تا این معضله که بگفتهٔ ایرانیها، دارد کشور ما را به تباهی میکشاند، در مان شود. البته برای داشتن یک افغانستان مرفه و آزاد و سربلند، برندهٔ این انتخابات اگر دلش برای اعتلا و آیندهٔ کشور میزند، راهی ندارد مگر اینکه واقعأ بسیار صمیمانه وخالصانه وخوش برضا، نه بازور وفشار و اکراه، حکومتی بسازد مشتمل از همه دانایان و آگاهان افشار وتبارهای مختلف کشور، که این است بزرگواری ومهتری و سروری، درغیر آن به یقین راه مابیه تر کستان است !

اگر فرمان ملاحامد، این خاین، دشمن وقاتل مردم افغانستان، که با رها کردن بیشتر از سه هزار برادر طالب خونخورش، دستش نه، که سر تا پایش در خون مردم بی گناه ماغرق است، مثل طرح سازمان یافتهٔ او در تقلبات گستردهٔ انتخابات به نفع یک کاندید مشخص، ویا براهم زدن انتخابات برای پهره برداری سیاسی خودش، که باز هم برای مدتی به این اریکهٔ دلتبار و ننگین زعامت سیزده ساله اش باقی بماند، به وقت معینش که دوم سبتمبر باشد، بارضایت یابدون رضایت نامزد ها تحمیل شده باشد، رئیس جمهور ما معلوم است، اما فاکر نمی‌کنم انتقال قدرت بصورت مسالمت آمیز آن صورت بگیرد.

اما اگر ابطال آراء که به اساس نوشتهٔ نیویارک تا بمز (بیشتر از دویلبون ودو صد هزار رأی تقلبی به نفع احمدزی ریخته شده، که اگر صدقانه وعادلا نه بررسی شود، حتماً عبدالله برنده میشود)، که البته این عین ادعای تیم عبدالله است، که بالاتر آن شمارش مجدد آراء صورت میگیرد، بامداخلهٔ ملاحامد کرزی ونهاد های انتخابات روبرو شده، و برای پوشاندن تقلبات گستردهٔ شان، آنرا بکلی نادیده بگیرند ونامزد دلخواه شان را با هر شمارسی که باشد، برنده اعلان کنند، گمان نمی‌کنم که باز هم این رئیس جمهور تقلبی مورد قبول باشد، و انتقال قدرت بصورت مسالمت آمیز صورت بگیرد.

اما اگر برخلاف همه پیش بینی های بدبینانهٔ ما، این بار وجدان کرزی ونهاد های انتخابات بیدار شده، ویا آنها را بیدار ساخته باشند، که از تقلبات ناروای بیشتر دست بکشند، آرای مردم مردم را احترام کنند و بگذارند هر که رواقعا مردم ما انتخاب کرده اند، به زعامت برسد. در آن صورت، با آنکه احتمال وقوع چنین حسد و یا خیال پلوی کم است، اما اگر بسیار بدبین وشکاک باشیم، امکان ضعیفی هم وجود دارد که این خیال پلو ما به حقیقت بیوندد، وکشور ما از مصیبت بس بزرگتر رهایی یابد. /

انده، تاهنوز قانون اساسی افغانستان رامطالعه نکرده اند. ایشان میگویند که حتی لویه جرگه نباید دست به چنین کاری بزند ( یعنی تغییر ساختار نظام سیاسی. فقط رفرانردوم صلاحیت چنین کاری را دارد). ماده ۱۱۱ قانون اساسی فقره دوم یکی از حالات دایر شدن لویه جرگه را تعدیل قانون اساسی میدانند. ماده ۶۵ قانون اساسی تعدیل قانون اساسی را از طریق مراجعه به آرای مردم منع نموده است.

۳. تبصره بر تبصره سوم آقای ستیز: درین مورد با ایشان موافقم. صلاحیتهای رئیس جمهور که در قانون اساسی ذکر شده با وسیله توافق سیاسی برای یک فرد یا نهادی تحت هر عنوان غیر قابل انتقال است. اعمال صلاحیت و اجرای قدرت ناشی از اراده مردم (انتخاب مستقیم رئیس جمهور و کسب اعتماد وزرا از مجلس نمایندگان، برای این دو نهاد سیاسی صلاحیت و مسئولیت بمیان می آورد، بشمول سلب اعتماد و وارد نمودن اتهام خیانت ملی به رئیس جمهور. رئیس اجرائیه یک پست سیاسی نیست واز جانب مجلس نه کسب اعتماد میکند و نه هم

عبدالخالق بقایی پامیرزاد

### اردوغان. مالکی وکرزی در ترازوی عدالت

خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش بدست خویش بنوشت

به آن ملت سر و کاری ندارد که دهقانش برای دیگری کشت

با پیروزی درخشان و چشمگیر رجب طیب اردوغان، در انتخابات ریاست جمهور ترکیه، مالکی و کرزی بیحث آدمهای فاشیست و نا کام رسوای عام و خاص، باید جام زهر بنوشند، و به حیات ننگین شان خاتمه بدهند، تا عبرتی باشد برای آیندگان. مردم جهان در سال ۲۰۱۴، شاهد برگزاری چندین انتخابات ریاست جمهوری در کشورهای مختلف جهان و منطقه بودند. درین گفتمان پیرامون انتخابات هندوستان و ترکیه، که هر دو با افغانستان روابط و مشترکات تاریخی برادرانه دارند، مکث میشود.

در هندوستان، انتخابات، همزمان باروند انتخابات در کشور ما (دو ونیم ماه قبل) صورت گرفت، و به سرعت و آرامی ونظم ونسق کم سابقه پایان یافت، و قدرت به حزب مخالف انتقال کرد، و در همان روز نخست وزیر (عالم ودانای پیشین) من موهن سنگه، دسته گل را به خلف خود تقدیم نمود، و پیرویش رامبار کبیاد گفت. دموکراسی در هند هزار فرهنگ، در جهان نمونه است، و باوجود فقیر و عقب ماندگی قرون وسطایی، که بدنهٔ وسیعی از نفوس هند رادر بر میگردد، این کشور به برکت اتحاد، علم ودانش و خرد و تدبیر زعمای دلسو، در صف کشور های مقدم جهان قدیم گذاشته، دارای تبب اتومی و اردوی درجه چهارم دنیامی باشد. ملت هند بزرگ به زعمای مدبر و لایقش، و زعمای هند به مردم باهمت و باغیرت و باعزت و کار دوستش باید افتخار کند. جالبست که درین انتخابات از قلب و تخطی ودعوی و کشمکش سخنی بمیان نیامد، درود به همه دانایان هند ! در کشور ترکیه : مردم با معرفت وشجاع ترکیه وارث تخت وتاج دولت عثمانی، به زعامت فرزند راستین ترک، آقای اردوغان نخست وزیر، صبح روز یکشنبه دهم اگست ۲۰۱۴، برای انتخاب زعیم شان، طبق قانون اساسی، به پای صندوقهای رأی رفتند، وهما روز اردوغان رابا کسب ۵۲٪ آراء مجدداً بیحث رهبر خود برگزیدند. رهبر اپوزیسیون، ایشان اوغلو، درمان فضای گرما گرم و جوش و خروش زایدالوصف مردم، پشت میز خطابه رفت و پیروزی رقیب قوی پنجه اش را تبری یک گفت، و مردم را به اتحاد و خدمتگزاری به ملت قهرمان ترک دعوت کرد. نظم ونسق انتخابات ترکیه، برای جهان سوم درس عبرتی بود که از فقهیم، خرد و دانش و تدبیر زعمای وطنپرست ترکیه نمایندگی می کرد. ترکیهٔ امروز به زعامت حزب عدالت، گامهای وسیع در راه پیشرفت و ترقی برداشته، واز جوامع خوشبخت بشمار میرود. پیدوار تر آنکه در بیشترین کشورهای جهان راه باز کرده، قدمهای تریبوی ترکی، که نمایندگی از فرهنگ متعالی آن میکند، جهانشمول شده، و کشور با اقتصاد قوی، دوستان بین المللی خود رادر اقصای جهان دستگیری و کمکهای مادی ومعنوی میرساند. خصوصاً مسلمانان را.

در مورد کشور عراق که قرون متمادی مرکز خلافت اسلامی بود، وبر نبمی از کرة زمین حکم میرانند، بعد از شهادت صدام حسین بدست بوش، و خروج نیرو های امریکاز آن کشور، ملت عراق سیر قهقراپی را به زعامت نورالمالکی پیمود. جنگهای پراکنده یک ونیم سال قبل آغاز شد و به مرور زمان شدت اختیار کرد، ولی امریکا و غرب نظاره گریو دند، و به صدای مالکی برای دفع دشمن جواب مثبت ندادند. تا اینکه اخیراً چند شهر مهم بدست گروه داعش (دولت اسلامی عراق وشام)، سقوط کردو رهبر داعش بنام ابوبکر البغدادی، خود را خلیفهٔ مسلمین روی زمین، و جهان را مال و ملک مسلمانان اعلان کرد، و بد بنسان کشور عراق یکبار چه، تجزیه گردید. مالکی از سوی مجلس کنار زده شد ولی این آدم احمق، مانند کرزی، هنوز هم می خواست در قدرت باقی بماند، که از عقل و منطق بعید بود، و بالاخره هم از قدرت رانده شد. خلاصه اوضاع عراق از کنترل حکومت بیرون شده، و آینده آستن تجارب ورخداهای تلخ و غم انگ یزمی باشد، و تمام این مسئولیتها به عهدهٔ المالکی و تیمی بی کفایت او تکیه می کند، که باسیاست های غلط، این کشور تاریخی رارویه تجزیه بر دند.

و اما وای به حال افغانستان دردمند وخون چکان، بدبخت وسیاهروز. درین کشور اشغال شده، از آغاز حکومت حاجی میرویس تا ااحمدخان ابدالی وتادورهٔ عبدالرحمان خان، یک (بیت الخلاء) هم ساخته نشده، و مردم کشور ما در جنگ های بین بنی اعمام، سالهای سال در گیر بوده واز کاروان تمدن جهان صدهاسال عقب افتاده است. در مقایسه با نیروی نظامی همسایگان، ما در قوای دفاع هوایی کشور، فقط صاحب ۱۳ فروند جرزبال هستیم ! تو خود حدیث مقصل بخوان ازین مجمل !

دورهٔ ۱۳ سالهٔ کرزی به خونریزی سپری شده راهیست. او انتخابات را که مردم ما بعد از شش هزار سال در انتظار آن بودند، به بیراهه وچالش کشید، کمسیون های انتخابات رادر ارگ طراحی نمود و برای پیروزی داکتر احمدزی، تلاش های پنهان و آشکار بخرج داد، و سرانجام با تقلبات گسترده وغیر مشروع، انتخابات را از مسیر اصولی آن خارج ساخت. اینک با وجود سفر جان کری وزیر خارجهٔ امریکا، ورهنمود های چند فقره بی برای تشکیل دولت وحدت ملی، چندی پیش غنی احمدزی به بی بی سی گفت: فراراست حقوق دانان هردو تیم روی جزئیات توافق نامه کار خود را آغاز نمایند. این صدای ناهنجار از رهبر تیم قلب و عدار و خاین، باز هم اتهامات را نزد مردم بوجود آورد وهنوز هم که هنوز است، پایان کار معلوم نیست.

تمام این بدبختی ها و نا کامی ها و نا رسانی ها عمداً بدست کرزی وغنی و فاشیستهای تمامیتخواه وعظمت طلب خلق شده، کشور را بدبخت و بدنام ساخته است. چندی قبل شعبهٔ پاسپورت وزارت داخله گفت روزانه ۱۲۰۰ نفر غرض اخذ پاسپورت جهت مسافرت به خارج به آن اداره مراجعه مینمایند. صادرات نداریم، واردات قوس صعودی را می یبماید، سرمایه هاومغزها روبه فرار است، قیمت هابلندرفته و مردم گرسنه، مریض، بی خانه، بیکار ویبی روزگار اند. خداوند کریم (ج) به دادرمدم ما برسد وخاینین را به جزای اعمال شان برساند. /

۴ . تبصره بر سفارشا و پیشنهادهای آقای ستیز که روی کدام نکات باید هیئت های دو جانب مذاکره کننده، بحث نمایند:

این تبصره های انتزاعی که، ( باید زمینه سازی برای رفرم های حقوقی صورت گیرد، ایجاد میکانیسمهای گرایش برای پذیرش اصلاحات از سوی نهاد های حقوقی سیاسی، مدبریت و سازماندهی گروههای تخنیکی، سیاسی و تخصصی کاری... انجام پذیرد...) مطالب گنگ و مبهمی می باشند که شاید تحت اللفظی از کدام زبان خارجی ترجمه شده است. این سفارشا نه برای منازعه جاری انتخاباتی مستقیم راه حلی ارائه می کند، و نه هم در رابطه با ساختار مناسب سیاسی برای یک کشور کثیرالاقوام برای مشارکت سیاسی مطلبی را بیان میکند. این پخش سفارش های آقای ستیز بیشتر به دیدگاه یک پروفیسری که از اوضاع افغانستان بصورت مطلق بی خبر می باشد و نظریه پردازی های عام می نماید شباهت دارد. من نمیدانم که آقای ستیز که معاونت و همکاری خود را به (عنوان متخصص علوم سیاسی) (دنباله در صفحهٔ هفتم)



### عنوان کتاب: فرهنگ مصنف و منسوب (در دو جلد) مؤلف: داکتر سیدمخدوم رهین

زکوی یار می آید نسیم باد نوروژی

ازین باد ار مددخواهی چراغ دل برافروزی (حافظ)  
شعرزیا و بلندبالای حافظ رابخاری در صدر این مقال نوشته، که دو تعبیر و دو معنی رابخاود همراه دارد: اول اینکه کتاب پژوهشی ویر نظم و سرود دوست فرزانه و عزیزم، داکتر سیدمخدوم رهین، مانند نسیم پیام آور و روحپور از جانب آن دوست از داخل وطن محبوب ما، از دست کوشان عزیز بدستم رسید، دوم اینکه ترکیب پرترم (باد نوروژی) یک پدیده مضاف و منسوب باد است، همان بادی که حضرت مولینا از قول پیامبر (ص) چنین بیان کرده است: گفت پیغمبر به اصحاب کبار تن میوشانید از باد بهار کانه با برگ درختان می کند با بدن های شما آن می کند و شاعر دیگری میگوید:

باد بهاری عنبرفشان است بلبل به زاری اندر فغان است

و مولف فرزانه داکتر رهین، در دیفاب (مضاف و منسوب) (باد صر صر) را چنین به نمایش آورده است،

به نیزه گذارنده کوه آهن به حمله ربانده باد صر صر

و حافظ شیراز در برابر باد تند صر صر، بادموافق و مددگار (شرطه) را ماهرانه اینطور به نظم آورده است:

کشتی نشستگانیم ای باد شرطه بر خیز

باشد که باز بنیم دیدار آشنا را

بهر حال، در کتب گرامر فارسی، که

بنده نیز در رساله اساسات گرامر زبان

فارسی در، برای مکتب افغان اکادمی

تألیف کرده ام، کلمه مضاف جنین

تعریف شده: مضاف و مضاف الیه:

اسمی که دارای متمم است (مضاف)

یاد می شود، و متمم آنرا مضاف الیه می

نامند، مثال درین مصرع حافظ: درخت

دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

درین گفتار، درخت مضاف و

دوستی مضاف الیه یعنی متمم آنست.



داکتر سیدمخدوم رهین

مولف فرزانه داکتر رهین، که در شناخت ادب فارسی دری تخصص و دسترس گسترده دارد، مضاف و منسوب را از دیدگاه وسیع ادبی، که علیحده از تعریف گرامری آن میباشد، در پیشگفتار خود چنین توضیح داده: (مضاف و منسوب بر چیزی اطلاق میشود که به کسی، جایی و یا شیئی اضافه و یا منسوب شده باشد، به نحوی که این انتساب شهرت یافته و مورد تمثل و بیان قرار گرفته باشد، و یا ترکیب اضافی مذکور کنایه از چیز دیگر باشد. مانند توجیه به متون ادبی و یازبان محاوره، مضاف و منسوب های یشار می توان یافت، مانند روانی آب و بوی گف و قامت سرو و صداهامضاف و منسوب دیگر، که احصای آنها دشوار و شاید هم ناممکن است.

در زبان دری تا کنون اثر مستقل در باب مضاف و منسوب پرداخته نشده، ابن فندق در کتاب تاریخ بیهق فصلی به نام مضاف و منسوب آورده، و در آن از پیداوار معروف چندشهر سخن رانده است، در حالیکه مضافات و منسوبات به شهر هاصرف بخشی از محت مضاف و منسوب را تشکیل میدهند. در زبان عربی اثر مهمی که در زمینه مضاف و منسوب نگاشته شده، کتاب ثمار القلوب فی المضاف والممنسوب تألیف دانشمند بزرگ خراسانی ابونصور عبدالملک بن محمد ثعالی (متوفی ۴۲۹هـ) است. مضاف و منسوب هائیکه در کتاب ثمار القلوب گرد آورده شده، بصورت موضوعی ترتیب یکصد و شصت و یک باب را تشکیل میدهند، و اگر بخواهیم مجموع آنها را در یک چهارچوب و سببتر تقسیم بدنی کنیم، به چند دسته تقسیم میشوند: مضاف و منسوب های مربوط به آئین مقدس اسلام مانند آنچه به خداوند و انبیاء و فرشتگان و یاران رسول اکرم (ص) نسبت داده شده، مضاف و منسوب های مربوط به رجال جاهلی عرب، مضاف و منسوب های مربوط به رجال دوره اسلامی اعم از خلفا، درباریان، علما و شعراء، مضاف و منسوبهای مربوط به فرهنگ بومی و زندگی بادیه نشینی و عشیره یی عرب، مضاف و منسوب های که تحت تأثیر فرهنگ ایرانی شهر در میان اعراب وجود آمده، مانند سیرت اردشیر، عدل نو شروان، آتش مجوس، قبه اردشیر و ویژگی شهرهای این گستره پهناور فرهنگی و نژادی مانند جامه مرو، کاغذسمرقند، کشمش هرات، برودری، شکر اهواز، تب اهواز، سردی همدان، هوای جرجان، فلوس بخارا، گلاب جور، افاعی سجستان و سرو کشمیر، که بنابه قول ثعالی، در درازی و بلندی و سرسبزی درختی مثل آن وجود نداشته و در زیبایی و حسن مشهور آفاق و از مفاخر سرزمین خراسان بود، و تا یک فرسخ سایه می افکند. برخی از کنایات و استعارات و اضافه های تشبیهی نیز جزء مضاف و منسوبها ذکر شده است، مانند شاعر الصالحین که کنایه از فقر است، و سراق النار که درباره آن میگوید: از استعارات مذکور در قرآن است، و فصیح تراز آن نیست. خداوند می فرماید: (انا اعتدنا للظالمین نارا احاط بهم سردقها، بردالشباب، فیص الشمس، رد الشمس، رضاع الکاس، نار الحرب، نارالشرق نارالشوق و غیره ...)

کار ادبی پژوهشی داکتر رهین که در ساحت پدیده های ادبی، یک کوشش ابتکاری میباشد، حائز اهمیت و کیفیت تاریخی بوده، و در قلمرو زبان فارسی دری یک اثر مستقلی را در باب مضاف و منسوب دیدار ساخته است. وقتی مثالهای برزنده و دلپذیر او را که درین باب از ردیف (الف تا ی) بامساعی دقیق گرد آورده نموده، بادیده و دل از نظر بگردانید، نمونه اشعاری شعرای قدیم و معاصر، که در زبان و نو آوران، قصیده سرایان و مثنوی سازان چیره دست را روبرو خواهید شد که در بستان شعروادب پارسی، پیرایش جاودانه دارند. شما درین نمایش دلپذیر به گفتار تغز شعری شهیری چون مولانای بلخ، حافظ شیراز، سعیدی و فردوسی، عطار و سنایی، خیام و نظامی، رودکی و معری، فرخی و انوری و مسعود سعد، ناصر خسرو و منوچهری و قطران، عنصری و وارزقی، دقیقی و عسجدی و بسی شاعران و سخن پردازان را آشنای می شوید.

حال بیاید به فضای ازهرچمن سمنی واز گلدهسته غنچه و شاخه ای، با رنگ و جلوه های رنگین آنها از صفحه ردیف الف تا صفحاه دیگر مضاف و منسوب، برجینم واز گنجینه های ادبی مستفید شویم:

آب زمزم: ای شسته سروتن به آب زمزم

حج کرده جو مردان و گشته یی غم (ناصر خسرو)

جرم آدم: اگر گندمی بود همه جرم آدم

همه جرم من از جوی هست کمتر (عطای یعقوب) (دنباله در صفحه ششم)

رضا محمدی

لندن - بریتانیا

### یادبود سیمین بهبهانی ستاره دیده فرویست و آرمید

سال های ۱۳۷۸ و ۷۹ شمسی بود و من تازه جوانی دانشجو که البته بیشتر از دانشجو بودن، شاعر بودم. شاعری پر از آرزو و شور که غزل می گفت و البته که برای غزل سرایان، اسطوره های زنده کمی زنده بودند. یک روز، یکی از دوستان گفت خانم بهبهانی می خواهد ترا ببیند. برای من به آرزوی بر آورده شده می ماند وقتی او را ملاقات میکردم رفتن ما به دیدار سیمین تکرار می شد و هر بار در سختی و بدبختی، خواندن و شنیدن در خانه خانم بهبهانی بزرگترین عیش عالم بود. در اولین دیدار، از غزل خوانی و صحبت در باره شعر، در باره شعر افغانستان و استاد خلیل الله خلیلی گفت. از اولین باری که او را دیده بود در سفارت افغانستان باجمعی دیگر از شاعران تهرانی که به دیدار استاد خلیلی در سفارت رفته بودند. از تشویق شدنش توسط استاد خلیلی گفت و ازین که جقدر توانایی خیلی را بر زبان دوست می داشته و جقدر خاطره دیدار او برایش مدام زنده است.



**شادروان سیمین بهبهانی، بانوی شعر معاصر فارسی دری**  
بعد از غزل هایی که احمد ظاهر از او خوانده بود صحبت شد. ازین که شعر درخت فروردین، شعری زنانه است و کاش آن را زنی خوانده بود. در دیدار های بعدی بیشتر شعر می خواندیم، گاهی شکایتی می کرد از اوضاع زمانه و از دیگر شاعران اما در کل خیلی اهل سیاست و این مسایل نبود.

در آن ایام دوره ای بود که مرحوم محمد مختاری تازه کشته شده بود و لیستی منتشر شده بود از کسانی که باید کشته شوند. در آن لیست نام او هم بود و برای این به شدت رفتارش کنترل شده بود، از خانه بیرون نمی رفت و آدم های زیادی را هم به خانه نمی پذیرفت. می گفت: چه دیدی، آمدند به اسم خبرنگار یا شاعر یا منتقد، آدم را کشتند. درین زمانه به سایه ات هم اعتمادی نیست. جز این به ندرت درباره سیاست حرف می زد. حرف هم که میزد کمی ذوقی می آمد تا این که به عنوان یک فعال سیاسی از سیاست و اوضاع حرف بزند. از دلستگی اش به جریان چپ آتیم برای مدت کوتاهی گفت و درباره آن هم خیلی عمقی حرف نمی زد. کلا سیمین، بر عکس تصور، شاعر سیاسی نبود. شاعر بود با همه جانش و تعزلی. برای همین هم در غزل یگانه بود.

یوسف علی میر شکاک، درباره او شعری گفته بود.

نیمای غزل بر می خیزی نیما گرد سرت سرگردان

در کج گردانم، دو جهان با تو، تو دو جهان گرد کمر گردان

دیدم دل دریا وارت را، عشق فلک فرسا کارت را

دیده ای هر شب ییادارت را، طاووس در آتش سرگردان

ای سرو سخنگو ما من گوگر زمزمه ای پنهان داری

چشم دل طوفان خاوم را با گریه ی شوقی تر گردان

ای دل حافظ خاطر خواست، دیده ی مولانا در راحت

شعله ورم کردی با آفت، آسیمه سرم کمتر گردان....

(من نمی دانم چطور احمد ظاهر، بعد از خواندن شعر های رهی معیری و البته غزل کلاسیک فارسی به سراغ فروغ و بعد سیمین آمده بود. اما آنچه که معلوم است، غزل های سیمین به این بهانه در افغانستان درین طیف های مختلف مردم خیلی مشهور شده بود. شاعران بسیاری بودند که زبان شعری او را تقلید می کردند و تقریباً می شود گفت بر عکس همه شعراء در اجتماع ادبی افغانستان و تاجیکستان هیچ مخالفی نداشت.)

این در حالی بود که آن ایام، میرشکاک بخاطر تقدای تند و تیزش بر شاعران دیگر اندیش و غیر دگراندیش مشهور بود. به نحوی منتقد رسمی حکومت ایران بود در حوزه ادبیات اما درباره خانم سیمین بر خلاف همه شعری چنین با اوصاف گفته بود و او را ایران بانو خوانده بود. سیمین این شعر را دوست داشت اما می گفت، اوضاعی شده در ایران که اهل ادبیات به چندین فرقه تبدیل شده اند، ایندولوژی قوی تر از شعرت این ایام، اگر به نیکی درباره این شعر میر شکاک حرف بزنی که خدای اش غزل زیبایی است، به مصیبت می افتی، همین طوری هم کلی مصیبت را باید جمع کرد.

سیدناذر احمدی، شاعر آن روزها طلبه افغان و یکی از نام آورترین شان، نیز شعری برای سیمین گفته بود که:

آهوی تکواز و سرمست، می آید از دشت ارژن

دو سیب سرخی به سینه، یک دسته گل روی دامن

می آید و ضرب گام اش، یادآور رقص کولی ست

چشم اش اجاقی پر آتش، بر دامن کوه روشن

این آفتاب پر از عشق، این دختر گل فروش است

می بارد از دامن اش گل، هر لحظه بر کشته ی من

بی تایی عشق دارم، دیگر غزل می سرایم

با دست خالی نیایی، هرگز سراغ من ای زن!

دیگر نمانده است آیا یک لحظه زیبایی ناب؟

ای روح آرام دریا! ای گل به وقت شگفتن

می خواهم آخر بگیرم آن سیب و آن غنچه گل را

هر چند تلخ است تلخ است بادام از (دشت ارژن)

دشت ارژن دفتر شعری از سیمین بهبهانی که با انتشار آن این غزل سروده شده بود، جقدر این غزل را که برایش خواندم، خوشحال شد و جقدر خندید و البته برآستی هم خیلی سیمین در افغانستان محبوب بود. چه بسامشهور تر و محبوب تر از ایران.

به هر حال در ایران شاعر موقعیتی روشنفکرانه دارد اما در افغانستان فراگیر ترین آواز خوان افغانستان، احمد ظاهر، چندین غزل از او خوانده بود از جمله شعر هایی که مرحوم احمد ظاهر از خانم سیمین خوانده می شود، به این غزل ها اشاره کرد. شاید غزل های دیگری هم باشد که علاقه مندان جدی تر احمد ظاهر می توانند بر این لیست بیفزایند.

۱. ز چه جوهر آفریدی دل داغدار ما را، ۲. وای من بیهودام، بیهوده ام در کارها، ۳. ستاره دیده فرو بست و آرمید بیا، ۴. آسمان خالیست خالی، روشنائش را کی برد؟ ۵. خواهم چو راز پنهان از من اثر نباشد، ۶. چون درخت

نصیراحمد رازی

### مولوی در خرگاه اندیشه شبلی

(ادامه از شماره های پیشین: ۴. در مقامات تصوف دو مقام مقابل هستند: مقام فنا و مقام بقا. در مقام فنا سالک حالت خضوع، مسکنت و انکسار غالب میباشد، برخلاف آن، در حالت بقا، سالک از جلال و عظمت لبریز میباشد. این حالت مولینا زیاده تر غالب میبوده است. از همین لحاظ جلال و عظمت، ادعا، بیباکی و بلند آهنگی که در کلام مولانای دیده میشود، در کلام شخص دیگری از صوفیه دیده نمیشود. میرزا غالب بیتی از مولانا را زمزمه می کردند که در آن بیت حالت بقا است. آن بیت چنین است:

به زیر کنگره کبریاش مردانند فرشته صید و میمبشکار و یزدان گیر

و بدین گونه آیات زیادی هست:

نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

جو غلام آفتابم همه ز آفتاب گویم

یا: بنمودی نشانی ز حمال او ولیکن دو جهان بهم بر آید سر شورش ندارم

یا: حاصل عمرم سه سخن بیش نیست خام بدم، یخسته شدم، سوختم

یا: زین همهان سست عناصردلم گرفت شیر خدا و رستم دستمان آرزوست

گفتم که یافت میشود جسته ایم ما گفت آنکه یافت میشود آنم آرزوست

ما دل اندر راه جهان انداختیم غلغلی اناسر جهان انداختیم

من ز قرآن برگزیدم مغز را پوست رایش سگان انداختیم

تخم اقبال و سعادت تا ابد از زمین تا آسمان انداختیم

جبه و دستار و علم و قیل و قال جمله در آب روان انداختیم

از کمال شوق تیر معرفت راست کرده بر نشان انداختیم

۵. خیام در رباعیاتش اکثراً وجود روح معاد و جزا و سزا را انکار کرده

و بر آن دلایل خطایی یعنی شاعرانه آورده است، مثلاً در انکار از معاد آورده

است: آدمی سبزه نیست که اگر یکبار درو شد باز سر بزند. مولینا اینگونه تخیلات

راهبان شیوه شاعرانه رد نموده میفرماید:

کدام دانه فرو رفت در زمین که نه رست چرا به دانه انسانت این گمان باشد

یا: شمع جان را گرو این لکن تن چه کنی

این لکن گر نبود شمع ترا صد لکن است

یا: چنان که آب حکایت کند ز اختر و ماه

ز عقل و روح حکایت کنند قالب ها

یا: هزار مرغ عجیب از گل نو بر سازند

چو ز آب و گل گذری تا دگر جهات کنند

یا: من نه خود آمدم اینجا که به خود باز روم

هر که آورد مرا باز برد در وطنم

حالا از دیوان حضرت مولینا چندین انتخاب نموده در اینجا می آوریم:

خنک آن قماربازی که بیاخت هر چه بودش بنماید هیچش الا هوس قمار دیگر

یا: گویند رفیقانم کز عشق پیر هیزم از عشق پیر هیزم، پس با که یابوزم

یا: تهمت دزد بر زخم که هر که نشانت آورد کاین ز کجا گرفته و آن ز کجا خریده

مثنوی: شعر فارسی در اول برای تفریح و ملاحی سلاطین آغاز شد، از همین

رو بود که ابتدا قصیده بوجود آمد، زیرا در زبان عربی از امدها قبل قصاید

مخصوص مدح و ثناء بود. قسمت اول قصاید از غزل آغاز میشود که آنرا تشبیب

میگویند. بر این اصل غزل گویی نیز با قصیده آغاز گردید. لیکن غزلها بهمان

سادگی که شایسته مدح و ثنا بود، سراییده میشود.

از سلاطین آن زمان، در سلطان محمود غزنوی این ذوق پیدا شد که باید کارنامه

های آباد اجداد یعنی شاهان عجم به نظم در آورده شود، تا مانند ضرب المثل هابه

زبان مردم جاری گردد. از همین لحاظ مثنوی ایجاد شد که برای بیان واقعات

تاریخی، درین توده های مردم از همه بهتر است. فردوسی آنرا آفتلر به معراج

سایند که تاحال چیزی دیگر اضافه شده توانست. آنچه از تحول و ارتقا که مثنوی

و باقی انواع شعرا تا آن زمان به خود دیده بود، در جنب واقع نگاری، خیالپردازی و

صنایع بدیعی بود. از ذوق و کیفیت خبری نبود.

حضرت ابو سعید ابو الخیر تخیلات متصوفانه و مسایل طریقت را در آن آمیخته

و آنرا در رباعیات بیان نمود. (البته بعد از اکتال این مقاله، حخیر کوشش خواهم

کرد که رباعیات تصوفی ابو سعید را فراروی شما خوانندگان ارجمند قرار دهم.

بهر حال، این اولین بار بود که در شعر روح تجلی نمود، و ذوق رومستی پدید آمد.

در اواخر دولت غزنوی بود که حکیم سنایی حدیقه را نوشت، که در نظم اولین

تصنیف تصوفی بود. بعد خواجه فریدالدین عطار مثنوی های زیاد تصوفی

نوشت که از آن جمله منطق الطیر شهرت زیاد تر حاصل کرد.

مثنوی مولینای بلخی که هدف درین مقال اوست، خاتم همین سلسله است.

شواهد بسیار بر این امر موجود است که تصنیفات خواجه عطار دلیل راه مولینا

است، چنانچه خود میگوید:

هفت شه عشق را عطار گشت ماهنوز اندر خم یک کوچه ایم

یا: عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از بی سنایی و عطار آمدیم

ارباب تذکره مینو بسند که حسام الدین چلبی از مولانا خواست که یک مثنوی

به شیوه منطق الطیر بنویسد. مولانا فرمود: شب به خیال خودم نیز گذشت، و همان

چندین موزون شده بشنو ازنی چون حکایت می کنی، رابه او نشان داد (هزده

بیت اول). (دنباله دارد)

\*\*\*\*\*

فروردین پر شگوفه شد جانم، لا گفتی که: می بوسم تو را، گفتم: تنها می کنم

۸ گفتم که می خواهم تو را، باور مکن باور مکن

من نمیدانم چطور احمد ظاهر، بعد از خواندن شعرهای رهی معیری و البته غزل

کلاسیک فارسی به سراغ فروغ و بعد سیمین آمده بود. اما آنچه که معلوم است،

غزلهای سیمین به این بهانه در افغانستان درین طیفهای مختلف مردم خیلی مشهور

شده بود. شاعران بسیاری بودند که زبان شعری او را تقلید میکردند و تقریباً می

شود گفت بر عکس همه شعراء در اجتماع ادبی افغانستان و تاجیکستان هیچ

مخالفی نداشت. اگر چه در ایران هم سیمین دشمنان کمی داشت.

(هیچ شاعری در روزگار امروز زبان فارسی به اندازه سیمین بهبهانی در بین

اقتدار مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و حتی کشوری طرفدار نداشته است.

حتی ترجمه غزل هایش به زبان های خارجی هم از تقریباً همه شاعران دیگر

بیشتر است. جدا از شعرش به عنوان کهن الگوی که از شخصیت تاریخی شاعر

در ذهن جمعی فارسی است، هیچ شاعری مثل او نمونه نشده است.)

او جزو معدود شاعرانی بود که از ایران مهاجرت نکرد، سیمین می گفت که

هر اتفاقی بیفتد همین جا بیفتد، اینجا شاعران جوانی مثل شما می آیند دیدنم،

کجا دیگر بیرون از اینجا این امکان هست. پرسش علی بهبهانی، اما یکی از مهم

ترین دلایل او بود. پسری که از همه شاعران و علاقه مندان شعر، بیشتر به او و

شعر خدمت و همراهی کرد.

دیگر این که شعرهایی هم داشت که می توانست برای فضای ایران هم مورد

توجه باشد مثل غزلی با عنوان:

شلوار تا خورده دارد مردی که یک پا ندارد

خشم است و آتش نگاهش یعنی تماشا ندارد

در ایران این غزل را فضای دولتی خیلی دوست میداشت (دنباله درص ۶)

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد – کولر اودو
**تکنیک وقوع بعضی از حوادث**
در زمان مجاهدین و ویرانی کابل (۲)
در قسمت اول حوادث ویر خوردهای سال ۱۹۹۲ را از نظر گذرانیده و مطالعه فرمودید که حضرت مجددی از شورای موقت بحیث اولین رئیس جمهور بعد از جهاد انتخاب شد.
گلبدین چگونه بر مردم بیچارهٔ کابل راکت بارانی کرد، لقب (راکتیار) را بخود کمائی نمود و کشتارهای متعدد مردم کابل را روا داشت.
طیارهٔ مجددی در میدان هوائی کابل با راکت برخورد نمود.
ملیشۀ های دوستم کنترول میدان هوائی، رادبو تلویزیون و جنوب شهر را بدست گرفتند و منتهم به چور و چپاول شهر کابل شدند.
جنگهای متعدد بین قوای دولت و گروپهای مختلف که بگمان من همه شورشیان بودند در نقاط مختلف و هم بین خود شان بوقوع پیوست.
انتقال قدرت از مجددی به استانداری رئیس جمعیت اسلامی افغانستان صورت گرفت.
باز راکتیار انهای گلبدین شروع شد و استاد عبدالصبور بحیث صدراعظم دولت اسلامی افغانستان عزتقرر حاصل کرد تا چندی بعد در جریان کشمکشها به بهانهٔ مرضی به اروپا فرار کرد.
مولوی خالص و شورای جلال آباد از همکاری باحکومت استادرانی خود داری کردندو میدان هوائی کابل در اثر راکتیار انهای گلبدین مسدود شد.
دیپلوماهای دول متحابه و موظفین ملل متحد هم رخت بر بستند.
راکتیار بهای متواتر گلبدین هزارها نفر در کابل کشته داد و صداهزار نفر بسوی سرحد پاکستان و آوردند.

موافقتنامه بین رئیس جمهورریانی و گلبدین عقدهشاملیشۀ کمونستها از کابل کشیده شود و کمیسونی برای تشکیل حکومت و انتخابات در هزده ماه رویکار آید.
جنرال آصف دلآوری ازسوء قصد گلبدین نجات یافت و گلبدین به حکومت و احمدشاه مسعود التیماتوم صادر کرد و جنگهایی را که توقف داده بود از سر گرفت و شورای قیادی دورهٔ کاریاست ربانی را برای چهل و پنج روز دیگر تمدید کرد.
بیرک کارمل تحت حمایت جنرال دوستم قرار گرفت.
ملیشای دوستم باطر فداان دولت به جنگ در آمد و گلبدین آتش بس راملغی قرارداد به کابلیان باز ویاز راکت ریخت.
قصر ریاست جمهور، وزارت دفاع، نمایندگی ملل متحد و سفارت ترکیه هم ازشر راکت هاش مصون نماند.
دوستم قصر ریاست جمهور را بمبارد کرد و بالا حصار را تسخیر نمود.
رئیس جمهور ربانی در میان این آتش افروزی ها و راکتیار انها بحیث یک فرد مسؤل علان کرد که در موقع مینه استغفائی نمی کند.
راکتباری گلبدین باز شروع شد و باز کشت و زخمی ساخت.
شورای اهل و عقدر ریاست جمهوری استادر بانی را برای دو سال تمدید کرد .

اکنون بیائید ببینم درسال ۱۹۹۳ چه جنجالها و حوادث رخ داد.
در روزدوم جنوری(۴۳) استادر بانی در روز تحلیف، بیطرفی خود را اظهار نموده اضافه کرد که بعد از ۲۴ ماه درختم دورهٔ ریاست جمهوری از وظیفه استعفا میکند.
۹جنوری عساکر که از ماهابه با نظرف معاش نگرفته اند ازقبول اوامر وزارت دفاع سرباز زدند.
۱۲جنوری امیر حمزه از جمعیت اسلامی که معاون رئیس جمهور افغانستان بود در اثر زخمیکه بروز ۹جنوری هنگام جنگ بین حکومت و حزب وحدت در کابل مجروح شده بود در پاکستان وفات کرد.
۱۳جنوری جنرال دوستم تقسیم قدرت تقاضا کرد و اظهار نمود اگر پیشهاد او پذیرفته نشود از حکومت پشتیبانی خود را حذف خواهد کرد،
۱۴ جنوری برای بار اول جمعیت اسلامی و حزب اسلامی عملیات متحدانه بمقابل قوای ملیشائی جنرال سیدجعفر از فرقهٔ اسماعیلیه به منظور بدست آوردن شهر بغلان اجرا کردند.
در ۱۸ جنوری ۲۱راکت بکابل پرتاب شد.
۱۹ جنوری قوای حکومت بر قوای حزب گلبدین که در ۳–۴ کابل منتری شهر کابل مستقر بود حمله کرد و حزب اسلامی ۳۰راکت بسمت وزیر اکبر خان، مکروریان، اطراف قصر ریاست و خیر خانه شلیک کرده ۳۳ نفر راقتل رسانید.
۲۰ جنوری قوای حکومتی مواضع حزب اسلامی رادر چهار آسیاب بمبارد کرد.
۲۳ جنوری حزب اسلامی چهل ستون را بتصرف در آورد، به روز ۲۳ جنوری پادشاه عربستان سعودی از طرفین متخاصمین دعوت کرد تا به کشیدگی های خود از طریق مسالمت ومفاهمه حل و فصل نمایند.
۲۶ جنوری سفارت ایتالیا که آخرین سفارت یک کشور غربی در افغانستان بود و اعضای آنهم در اثر پرتاب راکت در کابل مجروح شده بودند، کابل را ترک کردند.
۲۸ جنوری پادشاه سابق ۴۳ برای حل سیاسی افغانستان طرح سه فقراه ای پیشهاد کرد که مشتمل بود بر (گپ اول ظاهر خان و تیمش) :
۱– تشکیل یک هیأت تنظیم کننده مرکب از شخصیتهای برانزده و مؤثر افغان به همکاری موسسهٔ ملل متحد.
۲– هیئت تنظیم کننده، لویه جرگهٔ اضطراری را جهت انتخاب رئیس دولت برای دورهٔ انتقال و رأی اعتماد به حکومت اودا بر کند.
۳– تلویر لوی جرگهٔ عنعنوی به منظور تصویب قانون اساسی ولوایح ومقررات مربوط به انتخابات عمومی صورت گیرد.

۳۱ جنوری نماینده های شش تنظیم (حزب اسلامی، نجات ملی، محاذملی، حرکت انقلاب، حرکت اسلامی محسنی، و حزب وحدت) برای یکسال به آتش بس موافقت کردند و بدعوت ۲۳ جنوری شاه عربستان جواب مثبت دادند.
در ۲۷فبروری حزب گبدین پنجاه راکت به وزیر اکبرخان پرتاب کرد که ۳۰۰نفر (بشمول اطفالیکه در کوجه مشغول ساعت تیری بودند) را بقتل رسانید.
این جنگ ۲۷ روز دوام کرد ۳۰،۰۰۰ تا ۵۰،۰۰۰ کشته داد و در مدت یکماه شفاخانه های ملکی کابل ۶،۵۰۰ زخمی را عملیات جراحی کردند۴۳.

در ۷ مارچ در اثر میانجیگری صدراعظم پاکستان، تنظیمهای مهم افغانی برای یک فورمول صلح در اسلام آباد یا موافقتنامهٔ اسلام آباد موافقت بعمل آمد و فیصله شد که استاد ربانی برای هزده ماه در بست خود بحیث رئیس جمهور باقی بماند و گلبدین یابکی از نماینده های وی بحیث صدراعظم تعیین شود،
۹ مارچ حزب وحدت بمنظور بدست آوردن مناطق غربی شهر کابل براردوی حکومتی حمله کرد که در نتیجهٔ این حمله ۲۲ نفر هلاک و ۱۵۰ نفر مجروح شدند.
در ۱۲ مارچ جهت حل سیاسی قضیهٔ افغانستان موافقت نامهٔ بین شش تنظیم مهم افغان ودولتهای پاکستان و عربستان سعودی در مکهٔ معظمه (بیت الله شریف) امضا شد،
در اواسط مارچ تنها رؤسای سه تنظیم امضا کنندهٔ موافقتنامهٔ اسلام آباد بدعوت حکمتیار برای تشکیل حکومت به جلال آباد رسیدند.
چون گلبدین نمیخواست احمدشاه مسعود وزیر دفاع باشد و هم میخواست که با همه قوایش داخل کابل شود؛ استادر بانی جهت ملاقات به مقر گلبدین بدانصوب حرکت کرد، اما در عرض راه در اثر سوء قصدنا کام به حیات وی این ملاقات صورت نگرفت ۴۳.
در اواسط اپریل نظربه عدم موافقهٔ استادر بانی به ترکیب کابینهٔ گلبدین موافقتنامهٔ ۷ مارچ اسلام آباد شکل عملی بخود نگرفت و جنگ بروز ۱۲ اپریل بین تنظیم های متخاصم از سر گرفته شد.
۲۵ اپریل گلبدین شاهراه کابل جلال آباد را برای سه هفته تحت محاصره قرارداد (واز مردم بیاج می گرفت)
۲۷ اپریل طیارهٔ نظامی که قوای جنرال دوستم را انتقال میداد در پرواز بین مزار شریف و کابل سقوط کرد و ۷۶ نفر سر نشینانش همه هلاک شدند۴۳.
دراول می، حاجی قدیر و مولوی خالص بزرگان جهاد رادر (شورای جلال آباد) برای بار اول در باغ شاهی برای پانزده روز دور هم جمع کردند تا در مورد تشکیل حکومت، آتش بس دایمی، و انتخاب وزیر دفاع تصمیم بگیرند،
بروز ۱۸می و در پایان جلسه موافقتنامهٔ به امضا رسید که شرح آن چنین بود۴۳:
۱– وظایف وزارت دفاع و داخله به دو کمیسیون سپرده میشود (دنباله در ستون ۳)

عزیز صافی
**قهرمان کوهستان، عبدالرحیم خان نائب سالار**
داستانی از داستانها، به قلم شادروان استادخلیل الله خلیلی، خواهر زادهٔ نائب سالار، تلخیص از عبدالخالق بقایی پامیرزاد
دریختش نهایی این مقاله مطالب ذیل تقدیمی می گردد:
اوطن پرستی جنرال غوث الدین خان لوگری در ابطال خط (مایکین) اختلافات مرزی میان افغانستان و ایران از سالها لاینحل مانده ومایهٔ نزاع فیما بین دولت همسایه وبرادر بود.
امیر عبدالرحمن خان که تابع سیاست انگلیس بود، مانندخط دیورند، تصفیهٔ این قضا یا را به دولت انگلیس محول کرد.
مایکلسن جنرال فونسل بریتانیادر مشهدبود وصلاحیت داشت خط مرزی رامیان دو کشور روشن کند.
از تهانهٔ دهنهٔ ذوالفقار تا تهانهٔ موسی آباد علامت گذاشت.
ولی همین که به علامهٔ ۳۹ رسید، هیئت افغانی دید که اگر علامهٔ ۳۹ در موسی آباد تعیین شود نمکسار و قسمتی از غوریان که از خاک افغانستان است، از دست میرو د، رئیس هیئت افغانی جنرال غوث الدین لوگری نمی توانست از فرمان امیرورنقشهٔ مایکین سرتابی کند.
دربرابر علامهٔ ۳۹ خود را از اسب بزمین افگند و بیایش شکست، و بدین ترتیب کار تمدید علامه گذاری متوقف ونظر مایکین حسی گردید، و تاعهدنادر شاه قضیه همچنان محل تنازع باقی ماند.

لازم به تذکراست که دولت ایران آقای کاظمی را که بعداً وزیر خارجه شد، بحیث جنرال فونسل فوق العاده به هرات فرستاد.
مشار الیه به کارهایی دست میزد که از اروپا دو کشور بعید بود.
مردم هرات علیه اوبه تظاهرات پرداختند ونائب سالار کاظمی را ظرف ۲۴ ساعت از هرات خارج ساخت .

تصمیم نادرشاه در تعیین هیئت جدید:
نادرشاه حل و فصل قضیه رایبه دولت ترکیه محول ساخت، و از طرف مصطفی کمال، جنرال فخرالدین آلتای بحیث حکم تعیین شد.
درین فاصله نائب سالار تمام نقاط سرحد را زدهنهٔ ذوالفقار تا کوه تر آهو، بامو تر ناسپ، اشتر و پیاده از نو مطالعه نمود، و مردم را از حقایق آگاه ساخت واسناد لازمه راجمع آوری و در دوسیهٔ مرتب و منظم ساخت .

در سال ۱۳۱۳ دربرج سنبله، مرحوم محمدعثمان امیر معین وزارت خارجه بصفت معاون و استاد خلیل الله خلیلی بصفت سکرتر جنرال و داکتر فوادبیگ ترکی تحت ریاست نائب سالار، تعیین شدند، وفخر الدین آلتای ازراه ایران به موسی آباد وارد شد.
ریاست هیئت ایران را مهدی فرخ سفیر ایران در افغانستان بعهده داشت.
هیئت در جلسهٔ اول حکمیت خود را با ابطال خط مایکین صادر کرد، ولی هیئت ایرانی در مورد یافشاری میگرد و قضیه شش ماه به طول انجامید.
در جملهٔ مسایل متنازع فیه (چشمه گک شوری بود نزدیک اسلام قلعه)، سخن بجای کشید که رضاشاه کبیر شخصاً آقای فروغی وزیر امور خارجه رافرستاد تاموضوع رایبه شاه گزارش دهد.
فروغی که از دانشمندان ممتاز عصر ومرد متواضع بود، وقتی چشمه گک شور و محلات رایبه دقت مطالعه کرد گفت: این (غش لوشی) یک چشمه گک شوراست، هزار چشمهٔ شیرین تصدق چشم برداران افغانی ماباد، و بدین سال حقانیت ما را تصدیق نمود ، و خط مایکین باطل شد و نمکسار وغوریان به مالک اصلی آن افغانستان تعلق گرفت .

کارهای فرهنگی نائب سالار در هرات :
نائب سالار توجه خاص خود را به امور فرهنگی واجتماعی مطوف ساخت، شعرا، نویسندگان وتاریخ نگاران هرات را گرد آورد، و به تأسیس انجمن ادبی پرداخت، تأسیس یک مجله، ایجاد مطبعهٔ سنگی، کتابخانهٔ مسجدجامع ومدرسهٔ فخر المدارس اقدام کردند، به تألیف وترجمهٔ کتب معتبر و ضروری دست زدند.
هرات وارد مرحلهٔ جدید از نهضت فرهنگی و ادبی شد، وشخصیتهای شایستهٔ هرات در رأس کارهامقرر شدند.

عزمی که کوهها و کوتلها را هموار و رودهارا مسخر گردانید :
در دورهٔ پنج سالهٔ نائب سالار درهرات، دراحداث واصلاحات جاده های عمومی توجه فراوان مبذول شد.
تمدیدراه های زنده جان، اوبه، مرغاب، جشت، چغچران، غوروات وتسخیر گردنهٔ لامان واكثر راههای فرعی به همکاری مردم صورت گرفت.
همچنین شهرکهای قلعهٔ نو، شیندند(سوزوار)، غوریان، چغچران، اوبه درهمین دوره ساخته شد.
ولی شهکار بزرگ اتصال هرات از طریق هزاره جات و بامیان به کابل بود، نائب سالار شخصابه این کار همت گماشت .

بستن پل معلق آهنی بر فراز دریای هریرود:
یکی از معضله های بزرگ در عرض راه، بستن پل معلق آهنی بود.
این کار خارق العاده ذریعهٔ دو استاد محل استاد نوروزعلی خان هزاره و استاد اسماعیل خان معمار هراتی، بر فراز دریای هریرود در مدت کمتر از یک ونیم سال انجام شد، وشهر هرات به بامیان و کابل وصل گردید.
تسخیر اینهمه کوهها و کوتل ها ورودخانه هایه وسیلهٔ دو نابعهٔ مکتب ناخوانده، باوسایل و ابزار کار ابتدایی، میتواند از شهکار های قرن محسوب گردد.
خدواند(ح) آن دو مرد فدا کار و همه دست اندر کاران و خدمتگزاران صادق وطن را بشمول نائب سالار بیامرز د.

بازی چرخ، زندان وشکنجه و واپسین ایام زندگی
نائب سالار :
نائب سالار در برج سنبلهٔ ۱۳۱۳ خورشیدی به بهانهٔ کارهای مرزی به کابل خواسته شد، و ازراه داخل هزاره جات رهسپار بیتخت گردید.
او راجیث وزیر فواید عامه در کابینه داخل ساختند، و بعد از دوسه سال بحیث معاون دوم صدارت تبدیل گردید.
آزادی اش سلب شد و تحت مراقبت دستگاه مخوف ضبط احوالات وقت قرار گرفت .
درین مقطع هولناک حبس، شکنجه ومصادرهٔ املاک ودارایی های سران مشهور اقوام از طرف محمد هاشم صدراعظم به اوج رسیده بود.
خانوادهٔ سپه سالار چرخ، امیر محمدخان تگابی، جنرال سیدحسن کنری، حسن خان تگابی، عبدالهادی خان داوی، جان بازخان لوگری محمدامین خان بدخشی، میرزا محمد یوسف خان، میر سید قاسم خان مشروط خواه، شاه محمد ولی خان بدخشی، صاحبزاده عطاالحق خان، پسران محمد صدیق خان، اولادهٔ میر مسجدی خان غازی، ملک قیس خان خوگیانی، جنرال میر زمان خان کنری، حسن خان رئیس قبیلهٔ مو منند، فرزندان بیرک خان جدران، سیداحمد وکیل از اولادهٔ میر پیچه خان غازی، همه بازانان وفرزندان شان مجبوس شده بودند.
تا اینکه شاه محمودخان بحیث صدراعظم بجای برادرش محمد هاشم تکیه زد و زندانیان را رها نمود.

دادخواهی مردم کنر از حکومت :
در سال ۱۳۲۰ خورشیدی مردم بیدفاع کنر از مظالم حکام ومالیات کمرشکن بجان رسیدند و صدهانفر مظاهره کنان به دور عمارت حکومتی کنر جمع شدند و پیشهادت خود را ارائه نمودند.
حکومت این کار مردم را بغاوت شمرد وقوای عسکری جلال آباد تت قیادت فرقه مشر جوان وخون گرم، محمد داوود خان، مردم را با اسلحهای تقلیل سر کوب نمود، ولی مردم با کار وسنگ و چوب به دفاع پرداختند، قوای عسکری شکست خورد !
حکومت، مردم کوهستان، کوهدامن، پنجشیر، تگاب ونجرباب رادر این قضیه دخیل دانست، و عبدالرحیم خان نائب سالار را محرک اصلی قضیه قلمداد کرد.
در یکی از روزهای دوشنبه در مجلس وزراء، مسألهٔ بمباران کنر به وسیلهٔ طیاره پیشهاد گردید.
نائب سالار گفت: مگر راه دیگری سراغ نمی شود؟ صدراعظم گفت آن راه کدامست؟ نائب سالار گفت: بمفاهمه، نصیحت، استمالت وتحقیق قضیه، که تقصیر از مردم است یا از حکام .

صدور حکم بمباران و زندانی شدن نائب سالار :
سرانجام مجلس وزرا حکم بمباران را صادر کرد، نائب سالار رایبه بهانهٔ اشتراک در دعوتهای همیشگی به قصر صدارت خواستند، واو رایجای ضیافت، به زندان ارگ افگندند، (ص ششم)

کامل انصاری
کاسترو ویلی – کالیفورنیا
**مجلس بزم زنان درباری و کشوری در قصر استور**
حضور امیر حبیب الله خان در باغ عمومی زنانه
در نوشته های پیشین خود هرگز نخواسته ام تا قلم را بیرون از تاریخ و جغرافیه واسطوره بدر بکشم . اما تازه که جلد چهارم کتاب سراج التواریخ بدستم رسید، گفته های ناشنیدهٔ بسیار درج کتاب شده بود، که از روان شاد ملا فیض محمد کتاب خواستم صرف یک بخش کوچک قلم بر این امر در تاریخ را بنامسم!
خواننده های ارجمند در میان بنگارم. شاید بگویند که ترابه این حرفها چه کار؟ اما آدمی نظر به علایق تباری وعرقی، مخصوصاً در دنیای مهجوری، که صورانه دنیای واز گونهٔ (ناراست خویان) کشورم رایبه تماشای نشینم، واز اینهمه داستانتها که نامردان تاریخ به ارمغان آورده اند، به اصطلاح کشور همسایه ( داغون داغون) میشود .
کامل

سردار نصرالله خان که حافظ کلام الله مجید نیز بود، پس از کشته شدن امیر حبیب الله خان گفت: (اگر به تاریخ رجوع شود دانسته میگرد د که پادشاهان بی خبر وعیاش ونفس پرست، بسی بوده اند...)
این حرف سردار نصرالله خان موید آنست که امیرزنیاره وعیاش را (ولو که پدرش هم بوده است) به عیاشی و سیر و گلگشت وخود را خبیله ساختن، و در میان زن های دربار اشتراک کرده وهم نمایان شدن او در باغ عمومی زنانهٔ کابل، انتقاد کرده وملت ادراین باره واقف ساخت، تا ملت مرگ پدرش را بر سر کرده باشد، و یاینکه خود را سزاوار امیری بدانند.
امیر حبیب الله خان هر سال در اواخر ماه محرم، جشن زنانه رادر (قصر استور) بر گزار میکرد.
نامبرده در این جشن از تمام زنان اعیان و درباریان و روسای لشکری و کشوری دعوت میکرد تا در جشن ملو کانه شرکت بدارند.
امیر شکمباره و زنباره فرمان می داد تا عمارت قصر را تزئین کنند وهزاران چراغ را در شبانگاه خاصه بیفروزند.
پیش از برگزاری این جشن، دعو تنامه های زنان بزرگان درباری و سر لشکریان وخواین کابل رایبه شوهرهای شان نگارش می داد تا همهٔ زنان در این شب عیش ونوش حاضر باشند.
هر گاه مرضی عاید حال زنی می شد، در صورت ثبوت مرض، معاف هستند، درغیر آن شوهران شان به جزا می رسیدند.
محمدعلی خواجه سرا، مامور این امر خطیر میگردید تا در بارهٔ عدم موجودیت زنانی که در محفل حاضر نمی شوند، باز پرسی کرده به امیر گوشزد سازد، تا امیر بافتخار افغانی مرد های شان رایبه (یاسا) برساند !

سراج التواریخ مینویسد: (تمام زنان اکابر و اشراف ونام آوران در شب قصر استور تشریف برده به نای وهوش باذات شاهانه که پدر معنوی خود می دانستند، بی باکانه به سربرد وهر که تعارض کرده حاضر نشده بود، فردای آن خواجه محمدعلی به سراغش میرفت.)
(ص ۶۰۷ سراج التواریخ، ج ۴ بخش ۳)

امیر خود کاهمه، باغی که مربوط امیر شیرعلی خان بود، و در ناحیهٔ شمال غربی کابل موقعیت داشت، آنرا (ارم باغ) نام نهاد.
این باغ را باغ زنانه ساخت، که زنان اهالی کابل در آن باغ گشت و گزار نمایند.
گاهی امیر زنباره وعیاش در موقعی که زنان اطراف و داخل شهر کابل به باغ داخل میشدند، سری می زد و بکه وتنها، بدون ملکه ویاسوگلی هایش، در باغ داخل می شد، و پیش از پیش مقامی که برایش تعیین شده بود، دربار میگرد و به تماشای زنان می پرداخت.
بقول سراج التواریخ، خواهر خوانده های خود را از مصاحبت خسروانه خرسند و شادمی ساخت.
سراج التواریخ که باریک بینانه ونظر سنجانه وقایع نامردمی برخی از شاهان محمد زایی رارقم زده، مینویسد: (از این رفتار به اصطلاح پدرانۀ ملو کانه، بعضی غیر تمدنان نسبت به زنان خود دید گمان شده در خلا وملا، از کردار حضرت والا سعایت وشکایت همی کردند وزنان خود را از رفتن به آن باغ مانع آمدند.)

اما باز هم شادروان ملا فیض محمد کاتب هزاره مینگارد: (اگر که طالب جاه و عزت خواه بودند، از این امر اناکر ده، زنان خود را ز رفتن در آن باغ مانع صحبت دخترانه کردن باذات قدسی سمات شاهانه مانع نشده باز ندانستند که حضرت والا از ایشان نرجد و پایهٔ رتبهٔ اعتبار شان را نکاهد.)
(همان کتاب، ج ۴ بخش ۳ ص ۹۸)
ما در درازنای تاریخ ازین گونه نابسامانی ها ونامردی های بسیار خوانده ایم.
اما تاریخ فرهنگی، دینی واجتماعی وحتی سیاسی ماهمیشه از غیرت و کاکگی و حمیت وناموس داری حرفهایی رایبه میان کشیده که باعث مباهات وافتخارات جامعهٔ مان شده است.
اگر آنها کشند، سر بر بندند، تیل داغ کردند، به زنجیر بستند، وهزارها کارها و اعمال با ند بشانهٔ دیگر را در حق مردم ما روا دیدند، اما به عفت وناموسداری مردم ما چشم بد ونظر ناپخر دانه نداشتند اند.

امیر در میان زنان، چه درباری یاغیر درباری، باشکم گنده وفریه خود به مجالس زنان وقیحانه حاضر می شد، وناسیاسانه چشم چرانی میکرد، تا باشد شکار خوبی را بدام بکشد.
بی حیایی تا بدانجا سر میزد که هر گاه زنی که خواستخواهش می گردید، تن در نمی داد، خانوادهٔ آن زن به سختی مجازات میکردید. /

\*\*\*\*\*
**دوملیون وموصد هزار رأی تقلبی اشرف غنی**
(دنباله از صفحهٔ هفتم)
هاز دوده شوند، نتیجهٔ ابتدایی را اقتدر تغییر نمی دهدلوا آقای غنی هنوز هم برنده میباشد.
شماری غریبهای دیگر در نزدیکی با آن نظر، تقلب آرا را کمتر تخمین کرده و اطمینان داده اند که بدون فلتر کردن آرا در یک درصدی بسیار زیاد می توان تقلبات خیلی واضح را حذف کرد.
دپلوماتها در کابل گفتند: (هر دو نامزد نمی توانند به حامیان خود اطمینان بدهند که از تقلب پاک میباشند، هر دوی شان می دانند شاید یک چیز ناخوش آیند از آن ظهور کند.) /

\*\*\*\*\*
که ریاست یکی را استادر بانی و دیگر را گلبدین بعهده خواهد داشت.
۲– روی کار آمدن شورایعالی متشکل از ۳۰عضو جهت بررسی ویلابیسی امور حکومت
۳– تشکیل یکمعداد دیگر کمیسیونها جهت نظارت بر آتش بس و رساندن مواد غذائیه به مرکز جمع آوری تسلیحات سنگین و تسلیم آن بوزارت دفاع.
جنگهای شدید از ۶الی ۱۹ می با پرتاب ۳۰۰۰ راکت بر منطقهٔ خیر خانه بین قوای حکومتی و همکاری اتحاد اسلامی از یکطرف و افراد حزب وحدت و حزب گلبدین از جانب دیگر رخ داد و استادر بانی از ایران تقاضای میانجیگری کرد.
۲۰می استاد ربانی و گلبدین در مورد اسامی ۲۱ وزیر کابینهٔ آینده بمنوا فقه رسیدند اما احمد شاه مسعود از عهدهٔ وزارت دفاع برای کمیسونیکه تحت ریاست استاد ربانی تعیین شده بود خود را معذور دانست ۴۳.
در ۹ جون گلبدین بکابل آمد، در ۱۳ جون (مجلس پغمان) به ابتکار سیاف و همکاری استاد ربانی، گلبدین و خود استاد سیاف به منظور رفع مشکلات وتطبیق موافقتنامهٔ جلال آباد دایر شدو کمیسونی تشکیل شد، اما این تقاضای قوماندان مسعود که گلبدین تنها باوصدقنر از فرد خود بکابل بیاید، از طرف حزب اسلامی کاملاً رد شد ولی موافقت حاصل شد که گلبدین در ساختمان صدارت (اقامتگاه صدراعظم های سابق) مستقر گردد.
بتاریخ ۱۷ جون مراسم تحلیف صدراعظم گلبدین باووزاری کابینهٔ اودر پغمان و در حضور شاه فضلی وزیر عدلیه اجرا شد (قسم خوردن اول بحیث صدراعظم)، ۲۴ جون در کابل چند روزیایی در جنگ هائیکه بین حزب وحدت متحد حزب اسلامی بمقابل دولت صورت گرفت ۵۰نفر کشته ودر حدود ۱۰۰ نفر زخمی شدند۴۳.
۳ جولای راپور داده شد که در روزهای بین ۳ تا ۵ جولای جنرال دوستم بیهم باریس جمهور ربانی، قوماندان مسعود وشیش علی مزاری رئیس حزب وحدت ملاقات میکند.
(دنباله در شمارهٔ آ آینده)

**انتشارات تازه** (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

بت آرز: دو پیرایه حور و دو رشک پری

دو سرو روان دو بت آزری (یوسف زلیخای هروی)

کوه بابل: ز خلُشش کوه بابل خورده آسیب

ز جودش گنج قارون برده کيفر (مسعودسعد)

شمع بازار: به خوی شمع بازاری ز تو بازار باز آری

نه بگذاری که باز آری دل بی یار و بی یاور (قطران)

لعل بدخشان: ارغوان لعل بدخشی دارد اندر مرسله

نسترن لولوعلوی مکنون دارد اندر گوشوار (فرخی)

طرفهٔ بغدادی: به توای طرفهٔ بغداد نه زان دادم دل

که تو از دیدهٔ من دجلهٔ بغداد کنی (معزی)

نوبهاربلخ: ای خوشا آن نوبهار خرم نو شاد بلخ

خاصه اکنون کر در بلخ اندرون آمد بهار (فرخی)

شومی جغد: جغدی را چون همای نام نهادی

ناید هر گز ز جغد شوم همایی
غول بیابان: سپه ز راه بیابان به مرو بیرون برد
بدان رهی که رود جنی اندرو به حنر
نبوده‌ر گز جز دیو در آن ساکن

نبود هر گز جزغول کسی درو رهبر (عنصری)
در بعضی صفحات تشریحی پدیدهٔ شعری مضاف و منسوب، دا کتر رهین چند سطر توضیحی هم مینویسد، مانند گفتارذیل درصفحهٔ۳۵ در رابطه با (دانش اوبیگر): اوبیگر عبدالله بن مخافه عثمان بن عامر، یارغار و خسر بیغمبر، سه سال بعدازعام الفیل به دنیا آمد، ونخستین مردبالغ بود که شرف اسلام یافت. او درراه پیشرفت اسلام فداکاری های بزرگ کرد، و بیغمبراو راصدیق وعتیق لقب فرمود. اوبیگر نخستین خلیفهٔ مسلمین است ودرزمان کوتاه خلافت خوداز یک طرف پیامبران دروغین راازیمان برداشت، و ازدین برگشتگان عرب رابراه راست آورد، وازطرف دیگر، گسترش اسلام رابه جانب عراق وروم لشکر فرستاد. درهر دو جهه پیروزی یافت. وی در ۲۷جمادی الاخر سال سیزدهم هجری بدرود زندگی گفت .

اینک مضاف و منسوب در دانش اوبیگر :

بادل حیدری و برخوی عثمان چه عجب زانکه بادانش اوبیگر وعدل عمری

براق احمد: توضیح: براق اسپبی است که پیغمبراکرم بر آن نشسته به معراج رفت همچنان باز از خراسان آمدی بر پشت پیل

کاحمد مرسل به سوی جنت آمد بر براق
علم افلاطون: گشت به فضل و بزر گواری معروف

همچو به علم بزر گوار افلاطون (فرخی)
صورت انسان: گر تو ندیده ای ز سخن مردمی

بهرحال، این بوچند نمونهٔ (ازهرچمن سمنی) از کتاب پرمحتوا و نو آوریهای مؤلف ارجمندوفرزانه دا کترسیدمخدوم رهین، که در دو جلد(حدوددهشصد صفحه) به مناسبت بر گزیده شدن شهرغزنه بعنوان پایتخت فرهنگ اسلامی در سال ۲۰۱۳، بهار ۱۳۹۱ خورشیدی از طرف ریاست انتشارات بیهقی، درمطبعهٔ آزادی کابل بچاپ رسید.

معرفی مختصر کتاب پر بها و پرمحتوای دانشمند گرامی دا کتررهین ربا آرزوی صحت وسعدتش و کارنامه های ابتکاری وعام المنفقهٔ مطبوعاتی بیشترش، باذکر پیام ناشر، آقای فیض الله محتاج به پایان می برم :

( فرهنگ نویسی به اشکال گوناگون همواره یکی از ابزارهایی بوده است که انسان رابه شناخت بسیاری ازناشناخته ها درعرصهٔ زبان و علوم ومعارف یاری کرده است. فرهنگ مضاف ومنسوب درشعر دری از آغاز تاسقوط شاهنشاهی غزنه در (پایان قرن پنج هجری) به نیازمندی اهل تحقیق رسیدگی خواهد کرد، زمینه های فرهنگی و جغرافیایی ویازرگانی ترکیباتی را که به شکل اضافت و انتساب مورد تمثیل قرار گرفته ، جستجو کند. با این جستجو، خواننده بااماکن، رجال، اهل قلم، پیدوار وفر آوردهای سرزمین های مختلفی که رابطه با آنهادر مضاف ها ومنسوب هائزداشته است، معرفت می یابد و وجه پیدایش مضافها و منسوباتی مذکورروشن شود وفهم معانی شعر راآسان میسازد.

تألیف چنین فرهنگی البته زمان گیر و نیازمندپژوهشهای طولانی بوده است، که خوشبختانه مؤلف به شیوه ووجه احسن به آن پرداخته. چاپ این اثربه مناسبت گزینش غزنه بحیث پایتخت اسلامی اهمیت بیشتری به آن میدهد. امیدواریم باعرضهٔ آن به هموطنان، خدمتی هرچند کوچک به فرهنگ این دیارکهن کرده باشیم.)

و درانجام همه گفتار مضاف و منسوب(روی یوسف) را ازصفحات آخر جلد دوم کتاب برنظم وپرجلوهٔ ریاحین دا کتررهین، به شما مطالعین ادب دوست امید، نمودار می سازم :

دوچشم امت سرگشته روشنی یافت بروی یوسف گمگشته درمیان ظلم (معزی)
\*\*\*\*\*

**قهرمان کوهستان** ... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

وبه دست وبای آن مردشجاع و وطندوست بند نهداند و تمام املاک پدری او را مصادره نمودند، و چهل وچهارنفرعضو خانوادهٔ او را نیز زندانی کردند.

سرنوشت استاد خلیلی :
استادمیگو بد: من به کار ترجمه و تفسیر مولیناشبیر احمد نعمانی مصروف بودم، قلم را از دستم گرفتمد وزنجیرپر دستم نهادند، و با نائب سارا وپسرش یکجا زندانی کردند. استادافزودد: (چکامهٔ مشهور آه نیم شب) را بازغال در همین وقت در دیوار زندان نوشتم. استاد از شکنجه های زندان تاریک و نمناک ارگ، خاطرات تلخ دارد ولی از کمکهای همیشگی سرداراحمد شاه وز برادر بار وخسر محمد ظاهر شاه ودوست دیرین وصمیمی ایام جوانی نائب سالاربه نیکی یاد میکندمیگو بدآگر تو جهات همیشگی وپنهانی او نمی بود، نائب سالارجان به سلامت نمی برد .

دلیل و حجت :  همان یک جمله که نائب سالار به نفع مردم کندر دمجلس وزرا گفته بود، وهمان یک دلیل که ما از عشیرهٔ صافی بودیم!

رهایی از زندان ارگ:
پایان جنگ عمومی دوم بود، نائب سالار راز زندان ارگ به منزل انتقال دادند و استادخلیلی رابه ولایت قندهار تبعید نمودند، که سرگذشت تلخ وغم انگیز استاد در زندان دهمزنگ و زندان قندهار به تفصیل در کتاب خاطراتش که بقلم بانو ماری خلیلی ناصری دختر دانشمندشان، به همکاری و توجه خاص دانشمند محمدمدقوی کوشان دوست همیشگی شان، مدیر و سردبیردو هفته نامهٔ وزین امید مردم افغانستان به قطع وصحافت زیبادر ۳۸۴ صفحه بچاپ رسیده، از کتابهای نادر مهم تاریخ معاصر افغانستان شمارمیکردد.

چون ییکگاهی نائب سالار بر همگان ثابت بود، در روزهای اخیر زندگی اش، محمدظاهر شاه شخصاً برایشش آملومنتظر بودخواهشی نماید ! بازحمت بر جایش نشست وبازبان شکسته گفت: تابود راپچند لمحده درجایی بگذارید که صدای شیوهٔ اسپ سواران وطن به گوش مرده ام آید. همانظورشده وجنازه اش رابرفراز توپ در برابر مینار استقلال آوردند، جنرال محمدعارف وزبیردفاع سواتحش را قرائت کرد، و بیکرش شب هنگام در میان جمع غفیری از مردم

کوهستان و ابل وولایتهای همجوار، به کوهستان انتقال یافت ودرقلعهٔ صدق آباد بخاک سپرده شد، و بدین گونه داستان زندگی یک قهرمان به پایان رسید.

روانش شاد باد /

\*\*\*\*\*

**یادبود سیمین بهبهانی** (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

به این خاطر که میتوانست درباره جانبازان جنگ باشد. محمد کاظم کاظمی، شاعر معروف افغان نیز در شعر های منتخبش از شعر امروز ایران و همچنین در کتاب آموزشی روزنه، این شعر را به عنوان شعری نمونه یاد کرده و البته در فضای جنگ زده افغانستان، بسیار تاثیر بار بوده است همچنان چارپاره ای با نام شعر(فعل مجهول) که در افغانستان بسیار مشهورست و در زمان هر دو حکومت چپ و اسلامی به عنوان قصه مثالی عدالت خواهی مثال زده می شده است. بگذریم، قصه ازینجا بود که به دیدنش میرفتیم. من و سعید میرزایی باهم و گاهی باچندنفر دیگر یاتنها، همه ما نسل تازه غزلسرایان فارسی بودیم ودر ایران دوره ای بود که غزل گفتن، کاری ارتجاعی بود.

خانه خانم بهبهانی اما عرش تغزل بود. و البته که به برکت او و قدرت کلام و تاثیر شخصیت شاعرانه قوی اش بود که غزل فارسی با شکل تازه اش راه باز کرد و حتی بیشتراز قبل مخاطب یافت.اگر چه بعد از آن دوران، ما کم کم از او دور شدیم هر کدام به سرنوشتی رفتیم. بر خوردمانیز با او مثل برخورد هر دیگری عامی با شاعران بود همانگونه که پس ازسالها امروز خود ما به آن دچاریم.

ازیکطرف مافکرنمیکردیم که رفتن گاه وبیگاه ما مقدمیتواند یک نفر را اذیت کند. شاعرهمواره مثل مجسمه ای، موزه ای، تابلویی برای تماشا به نظرمی آید. کسبیکه وظیفه دارد، چنان که ما میخواهیم ویاطبق چهره ای باشد که بر اساس شعرهایش باتصورمان از شعرفارسی ساخته ایم، بعد که نود با او به جدالی سخت می نشینیم.اگر گفت کار دارم و نمی توانم بینمندان که دیگر واوبلاست. این جدا از خواسته های کم و زیاد اهل مطبوعات و روشنفکران است. یکی توقع دارد که چرا برای فلان موضوع شعر نگفته ای؟ یکی می گوید چرا گفته ای؟ یکی می گوید چرا فلان جارفته ای یا نرفته ای یا نوشته ای یا خواننده ای یا هزار تا ای دیگر. خلاصه شاعر که باشی به عالم و آدم بدهکاری و خانم بهبهانی، رندی بود که توانسته بود خیلی ازین تقاضاها را به حداقل برساند.

یکبارعدهٔ بر علیه اش شروع کردندبه نوشتن که تو آیت الله زاده ای، چراشاعر عاشقانه میگویی؟ یک گروه اصرارداشتند که دوره رمانتسیسم تمام شده، بدون اینکه حتی یک دوره رمانتسیسم اروپا را خوانده باشند وربط آن رمانتسیسم را با تغزل فارسی پیدا کنند مثلا ربط شعر وردورث با کولریچ را باغزلهای خانم بهبهانی. یک عده هم که معلوم بود کلا کینه شخصی داشتند، ازهمین هاییکه درک نمی کنند، گرفتاری آدم را و دشمن می شوند یا هزار تا علت دیگر.

اما با همه این ها هیچ شاعری در روزگار امروز زبان فارسی به اندازه سیمین بهبهانی در بین اقشار مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و حتی کشوری طرفدار نداشته است. حتی ترجمه غزل هایش به زبان های خارجی هم از تقریبا همه شاعران دیگر بیشتر است. جدا از شعرش به عنوان کهن الگویی که از شخصیت تاریخی شاعر در ذهن جمعی فارسی است، هیچ شاعری مثل او نمونه نشده است. برای اینهم بیشتر ازهر شاعر دیگری در زمان حیاتش برایش شعر تقدیم شده است. یکی از آخرین و زیباترین این شعر ها، چارپاره ایست از آقای افشین علاء شاعر کودک و نوجوان که در ایام بیماری سیمین برایش نوشته شده است.

... چابک تر از همیشه زجا برخیز/ چون آتشی که از دل خاکستر

پیری به قامت تو نمی آید/ برخیزی ای نگار من از بستر

از نکته های نغز، هنوز ای خوب / داری هزار شهید در مشتت

بنگر قلم چگونه به خود پیچد/ در انتظار لمس سرانگشتت

پر بار تر ز پیش جو بگشایی / کندوی دفتر تو عسل دارد

صبح است، عاشقانه ز جا برخیز /صبحانه با تو طعم غزل دارد

بگشا کتاب خویش به چالاکي / با شعر تازه غلغله بر پا کن

درهم بیچ چسب و سرم ها را / این بند را ز پای غزل وا کن

باید به جای این همه زخم، ای سرو / بیچک بروید از سر و بالایت

بنشین کنار پنجره با شادی / تا ایستد جهان به تماشات...

(نقل ازبی بی سی ۲۳ اگست ۲۰۱۴)

\*\*\*\*\*
**ترس وهراس از حکومت وحدت ملی** (دنباله ازصفحهٔ دوم)
خارجهٔ امریکاییان شد، وبعدهردونامزد این واژه راستعمال کردندو وسعت یافت. خواستم این نکته ریادآور شوم .

هادی: تشکر از توضیح شما، مامن فکر میکنم آقای اوباما باپالیسی که درصحنهٔ بین المللی بخصوص درشرق میانه ومثلا عراق وافغانستان گرفته اند، وبه تمام دنیا دیدهگانگی دولت خود رااعلان کرده اند، احتیاط کاری آقای اوباما بسیار اثرات سوء واثرات خوبی برای این کشور تاامروزداشته، عدم مداخله در یک تشکل سیاسی وسازماندهی سیاسی ودستبازی یاسهمگیری در تأمین نوعیت رژیم کار اینها نیست، کارهایی که اینها درین ساحه در گذشته کرده بودند، خطرات زیادی رابرایشان بار آورد، تجربهٔ آخر شان درعراق نشان داد که اینهابایستی بانی انزور المالکی، که فعلا آقای عبادی جایش راگرفته، آنها را معناد ساخته بود. اوباما پیوسته اعلان میکرد که تشکیل دولت افغانستان کارمانیست و کار خودافغانهاست. درهیچ جایی شماچنان منبعی رانمی یابید که نشان دهداوباما گفته باشددولت افغانستان رامن میسازم یا دولت امریکامی سازد. ما نباید خودرابزای بدبیم. آقای وزیرخارجه که سخنگوی اوباماست، و کاردیگری نمی تواندداشته باشددر حالات خفیر، پیوسته همین مسأله را تاکید کرده بود. پیشنهاد اینهاوقتی شد که کامپ هر دو طرف (من نمیخواهم نام بگیرم زیرا برابریم روشن نیست، وازجانبی تاریخ دپلماتی مطلق میشود ولی بالاخره می برآید ومعلوم میشود که این پیشنهاد چطور بمیان آمد تا به یک نوع مصالحه تمام شود. زیراعدم تقاهم بین دو کوب بحدی قاطع بود هنوزهم هست، که دیگر گزینۀ وجودداشت غیر از اینکه تحفهٔ پیش شود که طرف بازنده، بازندهٔ قاطع نمیشاند وجیزی نصیب شان میشود.) من یقین دارم این پیشنهاد ازطرف دولت افغانستان صورت گرفته است. می یخشید که باشما موافق نیستم. اونها گفته اندهر که باخت ازصحنه بیرون نمیشود، چراچنین گفتند، زیرا که طرفین بسیار زیادفضاراین خودآشتی ناپذیر ساختند، ترس و بیم ازین است که اگر درانتخابات می بایزم ودر حکومت سهم نمی داشته باشیم، در بیرون حکومت نه تنها در حاشیه قرار میگیریم، بلکه خودما یاحامیان مامعروض به خطر شویم . کل افکار خلق شدهٔ ذهنی دوطرف، فکرمی کم با واقعیت هیچ هیچ ارتباطی نمی گیرد .

مردم را من از نزدیک دیدم، همهٔ شان بایک امید زندگی میکنند، بگانه خبیر مدهشی که شما پیوسته ویاچسته جسته میشوید، اینست که طالب در کجاحمله کرد، و مردم بیچارهٔ ما چطور باعسکر ضعیف خود باپلیس ضعیف وافر ادبسیار کم وتم خود، آتوم در شهر ستانها و قصبات ونواحی مقاومت میکنند، و بیرون از آن ساحات اصلاحاتری از حکومت نیست، اما در یک امید کلی زندگی میکنندبرای آیندهٔ خود. به این ترتیب وقتی شمایی بینید که آقای کری رفته، آقای کری این سفر رابه دل خودنکرده، چرا این قبول شد؟ دولت مردان افغانستان باید هر دو این پیشنهادحکومت وحدت ملی را رد میکردندو میگفتند که مابه قانون اساسی

خود ودمو کراسی معتمد هستیم، تشکیل حکومت وحدت ملی درنهادیک حکومت ریاستی، خنده آور است.

رشتهٔ من حقوق اساسی است، وعقیده من به دولت مردان وطنم به خصوص دا کتر عبدالله و آقای احمدزی هنوزهم باقیست، من تصور نمیتوانم که بدون خواستهٔ آنها یاحداقل یکی از آنها، وقبول طرف مقابل، این پیشنهاد مطرح شده باشد.

س: اصولاً حکومت وحدت ملی راقدر کار آ میدانید، یکطرفی که در انتخابات شکست خورده، با کدام مبنای قانونی میتواندمصدر خدمتی درست اجرایی شود ؟

هادی: مواد ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ قانون اساسی راباید در نظر داشت. مادهٔ ۶۰ رادقت کنید که میگوید رئیس جمهور افغانستان حائز صلاحیتهای خاصی درساحهٔ اجرائیوی، تقنینی وقضایی افغانستان است. یادم می آید کسانیکه در تدوین قانون اساسی سهم داشتند، مثل استادمعروفی و استاد طاهر هاشمی، که قبلا بامن همکار بوده اند، اعلان کردند که ما چرا این قانون اساسی رالییک میگوییم ودر ایجاد تدوین آن سهم گرفتیم. اوضاع واحوال افغانستان آنها رابه همین یقین رسانده بود که در کشور در برابر رژیم ریاستی، هر نوع رژیم دیگر مثل پارلمانی وامثال آن باشد، برای افغانستان مساعد نیست، ودلایلی هم داشتند ومطالعه کرده بودند. درپهلوی اینها، بعضی امریکاییها وفرانسویها و اروپایی ها بودند که در قانون اساسی ماسهم گرفتند، متخصصین ملل متحد هم بودند، اینها نه تنها قانون اساسی رابه شکلی ساختند که رئیس جمهور حائز صلاحیت کامل اجرائیوی باشد، بلکه حنادرساحهٔ تقنینی وقضایی رئیس جمهور باید صلاحیت های خود را داشته باشد.

در همچو چیزی که صراحت موجوداست وبعدلیست صلاحیتهای رئیس جمهور رادرقانون اساسی بخوانید، اینقدر مصرح ومشرح است که در بسیاری از قوانین سایر کشورها وجود ندارد. در چنین چو کاتی می خواهید یک رژیم پارلمانی را در نفس آن بگنجانید، یعنی چیف اکز کنیف Chief Executive رئیس قوهٔ اجرائیه یعنی صدراعظم راداخل کنید، نمی دانم چطور میشود اینها را باهم تلفیق کرد؟ جنگ بیرونی قانون اساسی وتشکیل کابینه راه، که امروز هنوز در جریان انتخابات بی سرانجام هستیم، که نتایج نهایی آنها روز نامعلوم است، و به شکل خون بینی شدن ومشت ولگد هر دو طرف جریان دارند، و آقای عطا که یک شخصیتی است که به ایشان هم احترام قایل هستم، وباهم آشناهستیم، چطور در کابل در همین تازگیها اعلان میکنند که ما حکومت موازی رامیسازیم؟ وبعد دا کتر عبدالله آن را رد می کند. این کار درستی نیست، شما فکر کنید انتخابات خلاص شد، خدای ناخواسته یکی از دو طرف بازنده شد، ومن هیچکدام طرف را بالاتر از یکد گر و پایتان از هم نمی شمارم، اینهاوقتی بروند وداخل یک کابینه شوند، چطور شروع میکنندبه این حکومت مرکب از دوسر ودو کله وانتصاب یافتنه، حکومت به دو بخش تقسیم شده، یکی رئیس جمهور و یکی صدراعظم، تمامی مواد قانونی اساسی که مربوط به قوای تقنینیه و اجرائیه وقضائیه است، متأثر از نفوذ وصلاحیتهای شخص رئیس جمهوراست، در آنجا شما صدراعظم رادر مقابلش قرار میدهید.

از جانب دیگر موجودیت یک اپوزیشن رسمی در داخل یک حکومت درهیچ کشور جهان وجود ندارد، بمن نشان بدهید که یک حکومتی که رهبر مخالفینش در آن حکومت باشد، و گفته شود که اینها باهم یکپار چگی داشته باشند، خیر، در شرایط واوضاع وحالات جداگانه است وسریک موضوع بخصوص است ودوام ندارد، یک مدل نیست درساحهٔ حقوق اساسی دنیا، که میخوایم آن را در افغانستان آوریم. آخر چرا ما اوضاع رابرای خود خفیر میسازیم و برای خود مشکلاتر میسازیم. قانون اساسی چه گفته؟ گفته هر کس که پنجاه جمع یک رابرد در دور اول، وهر کی بیشترین آ را رادردور دوم برد رئیس جمهور میشود، برای چه مدت؟ صرف پنج سال .

حکومتها می آیندومیروند، اما ملت هاباقی میمانند، ما باید سیاستمدار دور بین باشیم، نبایست نزدیک بین باشیم، شما خطرات دوره های آقای کرزی راببینید و آن اثتلافاتی که بین جنگسالارها و اشخاصی شد که همیشه باهم درگیر جنگ بودند، انسانهای خوبی بودند اما از سیاست و کشورداری بی بهره بودند، وما همه رادر آنوقت قبول کردیم. امروز که یک کتلهٔ واحد می آید بایک برنامه، و کتلهٔ دیگر هم میگوید که برنامهٔ خود را دارم، وقانون اساسی میگو بدهر کس که برد رئیس جمهوراست. ببینیم ملل متحد ونمایند گانش که به شمارش آ را رفته اندبه چه نتیجه میرسند، توقع چیست؟

اما یک مسأله را که شما نیز سیدید، اینست که امروز اگر دا کتر عبدالله خدای ناخواسته کاری میکند که آقای کرزی کرد، و ۷، ۸، و ۹ نفر دیگر در پهلولی آقایان عبدالله واحمدزی خود را کاندید کرده بودند، آیا ناینبا بودند کسانی که امروز دا کتر عبدالله یکجاشدند؟ که عبدالله چگونه شخصیتی است، خواننده نبودند که بداندنبر نامهٔ آقای عبدالله چیست؟ همین آقای زلمی رسول، وقتی خود را کاندید کرد، آیتامی فهمید که آ یادا کتر عبدالله از چه نوع نفوذ در بین ملت برخوردار است؟ نمیدانست برنامهٔ کاری اش چیست؟ برنامهٔ کاری خود راجرا به مقابل آن در مقایسه قرار نداد؟ همینطور در برنامه های دیگران از جمله نواسهٔ مرحوم نعیم خان را و آقای شیرزوی را ببینید، اینها کل دا کتر عبدالله رامیشناختند ودا کتر عبدالله اینها را. چرا در دورهٔ اول اینها در پشت دا کتر عبدالله قرار نگرفتند تا او در همان مرحلهٔ اول میتوانست پنجاه جمع یک راپوره کند، وما به دور دوم نمی رفتیم.

امروز آقایانی که درصاف آقای احمدزی قرار گرفتند، ناپینا بودند، ناخوان بودند ونمید باندونمی شنیدند ووقدرت خود رانمی فهمیدند؟ همهٔ اینها، خواستند یک قمار بزنند ! آقایان محترم وبرادران عزیز من! افغانستان درحالی قرار ندارد که مباحثودجرت بدبیم و کارت خود را بینمازیم که اگر شد خوب واگر نشد خیر، باهم نام خواهیم کشید! آیا کوروی بدو نمی داند بدین آدم چه برنامه دارد و آن دیگر چه برنامه؟ هر کدام رابخو تر تشخیص میدادید، پشتش اواستادمی شدند ومیگفتید ما ازین تعدد کاندیداها و تقسیم بندی هاوردیف بندی ها سودی نمی بریم . نتیجه چه شد؟ رفتیم به دور دوم. امروز می بینم همان آقایان که دا کتر عبدالله رانمی پذیرفتندو میگفتند ما خو بر هستیم رفتند یکعمدا پشت دا کتر عبدالله ویکعمدا پشت سردا کتر احمدزی ایستادند، اینها هم به ایجاد این حالت متشنج کمک کردند ! لذا فکر کنید یازده گروه خردو کلان درین حکومتی می آیند که پس به سؤال شماروم، که میروند در یک نظام ریاستی طفل تازهٔ راداخل میکنند، طفلی که باید نشو ونمو کند، اما نه به این طریق . حکومت پارلمانی در بطن یک حکومت ریاستی آوردن کاردرستی نیست. قبل از تشکیل لویه جرگه، این پراسس تشکل مختلط پارلمانی و ریاستی خلاف قانون اساسی است، مردود است در افغانستان ودر منطقه ودر سطح بین المللی، وباعث تمسخر جهانیان می شویم . ما خود یک بنب دستی را گرفته وبه حکومتی داخل میشویم که هم خود رامنفعر میکنیم وهم حکومت وهم ملت راتباه میسازیم این کار صحیح نیست .

س: پس چه باید کرد با اینها افغانان !؟

دا کتر هادی : آخرین گیم اینست که به برادرهای خود دا کتر عبدالله و دا کتر غنی میگویم آقایان محترم عمر شما در تحصیل پیش رفته، از من جوانتر هستید، یک کمی به حقایق امر ببینید، از سخاوت کار بگریزید (دنباله درصفحهٔ هفتم)

## شرح اشتراك هفته نامه امید

**ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر**

**کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر**

**سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۴۰)دالر**

## Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

حسین سرهنگ یونین ستی - کالیفورنیا

## طنز

محترم آقای کوشان، سلامها و احترامات فراوان بنده را بپذیر. دو قصیده را که فرستاده بودم، اولی بنام (شاه شجاع اول) و دیگری با عنوان (شاه شجاع ثانی)، در ادبیات دری مقام بلندی دارد، که این سبک را بنام طنز یا در انگلیسی satire نامند. طنز صنایع ادبی خاصی دارد که (گریز) و (رجوع) مشهور ترین آنهاست. بنده نیز در چند جا این صنایع ادبی کار گرفته ام.

مشهورترین آثار طنز در ادبیات کلاسیک دری (کیلیه و دمنه) پیرام شاهی و (منطق الطیر) عطار میباشد. در ادبیات انگلیسی Jack London که از دیدگاه سگ هامیباشد، و مشهورترین کر کرد داستان سگی بنام Buck که نمایی از شخصیت خود نو بنسند میکند. دیگری Animal Farm نوشته جورج اورول و خانمش میباشد. موضوع فارم حیوانات، سیستم کمونیسم و مشهورترین کر کنتر آن یک خوک بنام است، که نمایندگی از ستالین می کند.

قصیده دیگری با عنوان (زاغ و خر) حالا فرستادم که ادامه طنز (شاه شجاع اول و ثانی) عقاب امریکا، مگس جان کری، خر امیدواران انتخابات، پرندگان گوسفند و دیگر چون بوم و شاهین، دیگر ممالک ناتو، و کله خورک کشور اسرائیل است. اهمیت ادبی قصایدی که بنده نوشته، به مراتب بالاتر از ارزش سیاسی آن میباشد.

## زاغ و خر

چو قانون جنگل به شاهی کشید  
جلاوسی به جنگل شد از مرغکان  
درون دکاش قفسس ها زیاد  
به مرغان دهد ارزن و گال و جو  
خرش با تعجب ز زاغ این سخن  
که عقاب همچون شما بال دار  
شعبو با قبایل بُنعارفوا  
چرا بال دار بال دار را خورد  
به خر گفت زاغ ای شه چار پای  
ولی ناشتای پلنگ است خر  
عقاب و کله خورک و بوم و باز  
همین چند باهمد گر داده دست  
یکی بر یکی خون یکی پوست را  
یکی تخم ما را یکی استخوان  
نه با پیر و نه با زن کند احترام  
دکاش ببندد شه گت به زاغ  
دکان ار ببندیم شود زخم نو  
ز تدبیر عقاب، بی چاره خر  
به فکردگر خر به آن زاغ گفت  
به قاضی روید این شکایت برید  
که تا ظلم عقاب را چاره کرد  
بگفت زاغ کو این ندارد قبول  
ز قانون جنگل هراسد بسی  
به قانون آن آشیان سفید  
خرش گفت باید بیوسی زمین  
چنین است رسم جهان ای برار  
گهی مرغ سومی زند گاه مار

(دنباله از ستون اول نشان میدهد. نهاد آزاد و بیطرف ناظر انتخابات افغانستان ۲۶۸۴ قضیه بی نظمی و قلب را بشمول انداختن آرای سیاه در صندوق هابه کمیسیون شکایات انتخابات سپرده است. رئیس گروه ناظران گفت که ما ویدتو در اختیار داریم که هر دو جانب در بی نظمی دست زده اند.

به باور تحلیلگران انتخابات، یکی از عواملی که تلاشها در جداسازی آرای قلبی از آرای مشروع، در دور دوم رایچیده میسازد، وجود انتخاب قوم کلان پشتون میباشد که در این انتخاب غنی پشتون، و عبدالله که رابطه نزدیک با تاجیکان دارد، بصورت متحد با یک رقم بسیار بزرگ به غنی رأی دادند. در یک مصاحبه غنی تاکید کرد مبارزه جدی و گسترده پشتونهارا تحر یک نمودتاریا بدهند، و شمارش ابتدای ماه جون نشان داد که اونست به عبدالله بیش از یک میلیون رأی پیش می باشد. غنی گفت: (وقتی مبارزات را از طریق یک شبکه پیش بردیم، صد هাজার رضا کار در این شبکه همکاری نمودند، من می بینم که کی بصورت انفرادی چه کرده است، توجه مشترک ما را به جلو انداخت).

عبدالله در دور اول پیشتاز بود، و نه صد هزار رأی از غنی سبقت داشت اما شمارش ابتدای دور دوم، غنی را یک میلیون نهصد هزار رأی جلور دور بر اساس محاسبات مامورین غری، یک کار (ناممکن) میباشد. پیشی بزرگ غنی در ولایات نامن میباشد، که در بسیاری از آن ولایات حضور طالبان، رفت و آمدناظران انتخاباتی را ناممکن و خطرناک ساخته بود. نتیجه هر مرکز رأی دهمی در آنجا هر دو دوم حساب شد، گزارشهای محلی نشان داد که شمار رأی دهندگان بسیار اندک بود. اکنون نجات انتخابات به بررسی مربوط است، که عملیاتی بدین وسعت، که چندین تحو بلخان را بر کرده، همه ناظران را شگفت زده ساخته است. یکی از راه های تشخیص تقلب آن بود که اگر در یک صندوق ۹۵٪ آرا به سود یک کاندید باشد، آن صندوق باطل میگردد. بقول دیپلماتد کابل، اگر این روش در دور دوم بکار گرفته شود، صندوقهایی که دارای ۹۳٪ آرا در یک مرکز رأی دهی برای یک نامزد داده شده باشد، باید باطل شناخته شود. این روش را تیم عبدالله طرفداری نمود، که سوم حصه رأی ها که بیش از دو میلیون میشود، از محاسبه خارج میگردد.

دو تحلیلگر غری که بصورت مستقل ارقام را مطالعه مینمایند، حتا تخمین بالاتری را پیشنهاد مینمایند، که در حدود دو میلیون دو صد هزار رأی بود غنی و هشت صد هزار رأی بود عبدالله داده شده است. اگر این آرا از محاسبه خارج ساخته شود، عبدالله پیروز میشود. تیم غنی ارقامی را ارائه نداده اند، ولی یک سیاستدان ارشد که حامی آقای غنی میباشد گفت وقتا که تقلب (دنباله در ص ۵)

## تقاضای حمایت از «امید»

خوانندگان ارجمند امید آگاه اند که، در دو سه سال اخیر، بویژه ماه های اخیر، به بن بست تأمین هزینه چاپ و ارسال به مشترکین گرامی مواجه بوده است. به همین سبب، بک تعداد مهربانان و علاقمندان ادامه انتشار این جریده، از ماههای اپریل ومی و جون سال پیش، ماهانه مبلغ بیست دالر را، بعضی ماهانه، تعدادی ششماهه و شماری هم سالانه بعنوان اعانه به امید کمک کرده اند. مشترکین گرامی نیز افزون بر مبلغ اشتراک ششماهه یا سالانه، با ارسال مبلغی در حد توان، از این جریده خویش دستگیری فرموده اند.

در سه ماه اخیر، عده زیادی از محبان شاید بنا بر مصروفیت یا فراموشی، در ارسال اعانات شان تاخیر صورت پذیرفته است. به این ذریعه به اطلاع این عزیزان رسانده میشود، که امید به مشکلات جدی مالی مواجه بوده، و اخیراً یکی از آخرین اعلاناتش را که یک چهارم صفحه بود، نیز بنا بر مشکلات صاحب اعلان، از دست داد.

امیداست، عزیزان دوستدار این جریده، با سخاوتمندی و مهربانی، هر چه زودتر چک اعانات شان را در وجهه (امیدوبکلی) بفرستند، و اداره امید را منتداری لطف و کرم شان گردانند. اداره

دکتر غلام محمد دستگیر  
بروفیلد - کلرادو

## استاد عظامحمد نور

فرزند مجاهد، صادق و وطن دوست: تو افتخار سرزمین جوادان ما هستی! والی کارکن، زحمت کش، صادق و وطن دوست مزار شریف، استاد عطا محمد نور، من ترا از زمان جهاد به انظر ف از طریق رسانه ها و فعالیت های جهادی تان خوب میشناسم. از فدا کارهای شما، گرسنه گیهای زمان جهاد شما، بستر سنگ شما، موقعیت شما در قعر سنگر ها، تپیدهای و ته و بالا رفتن شما در بین دره و کوه های سرشک کشیده هندو کش و دشت های سوزان، و هم تحمل گرمی های آتشین تابستان و پذیرش سردیهای سنگ ترقان زمستان شما، نیک مطلع هستم.

مردم قدر شناس و فرزندان صادق و حقیقتگرای افغانستان این قربانی شما را فراموش نخواهند کرد. اگر قربانیا و از خود گذریهای شما و شهید احمد مسعود قهرمان ملی ما و دیگر همسنگران تان نمی بود، وطن ما صوبه پنجیم پاکستان میشد، زبان اردو و کلداری پاکستانی بر مردمان رنج دیده و ظلم تنیده ما تحمیل میگردد. اگر من در پیش روی مبارک تان حاضر شوم شما مرا نمی شناسید چه نه از قوم تان هستم، نه کدام خویشی داریم و نه کدام ارتباط دیگر بین ما و شما وجود دارد و آنچه درین چند سطر عرض میدارم فقط عرض احترام به مقام والای و وطن دوستی شما و زحمات شباروزی شماست که مزار شریف را که چند دهه قبل آب آشامیدنی نداشت یک شهر مدرن و زیبا ارتقا داده آباد ساخته اید و دانشگاه علوم مختلفه و دانشکده طب رادر بلخ تاسیس کرده اید که بزودی سر آمد اقران خواهد بود.

من بسیار متاثرم که شخصیت والای شما، تحت نظر مایکروسکوپی یکمده خائین و ظن فروش که در مسند تلویزیونی سفسطه گوی، با طمطراق و یوازه سرائی، برای رضای خاطر با داران و هابی و طالبهای پاکستانی خود نشسته اند، قرار میگردد. اینها و حواریون قوم پرست شان بجز تهمت بندی، مسموم ساختن افکار مردم، دروغ گوئی و طالب پرستی و طیفه دیگر ندارند. در زیر چتر اسلام مقدس از قرآن کریم سوء استفاده نموده برخلاف ارشادات قرآنی پرو پاگند های بدنام کننده که از شر زبان شان پدید میآید پیامهای شیطانی پخش میسازد. به آن قرآنی که ایمان دارد باید بداند و ییاد بیورد که: فریب میدهند خدا را و کسانی را که ایمان آورده اند، و فریب نمیدهند مگر خود شان را در حالی که شعور ندارند \* در دلهایشان مرضی است، پس زیاد کرد آنها را خدا مرضی و برایشان عذابی دردناک است به آنچه تکذیب میکردند... (پیام نور، سوره البقره). چون مفسدین اند، و تقلم لفظی جزع زندگی روز مره شان است، ممکن لذت گذری از آن نصیب شوند، اما بار کج شان به منزل رسیدنی نیست و نه زد خواص و عوام دیر یا زود چلوصاف شان از آب بر آمدنی است.

اما سرفرازی دارین تا ابد با شما بوده یا بر جا میماند. مرحبا به آن مادر یکه به چنین فرزند شیر داده است! خداوند یار و مددگاران او هم دشار که دشمن در کمین است و هنگامه طلبان خم خم رفتن صیاد دارند. /

الحاج عبدالقدیر فایق هروی  
سننلی - ورجینیا

## شب نشینان جهنم

کرزی هزار لاف به توای مردک زبون هم بر مشاورین تو هم بر کمیسیون اشرف غنی تو نبود شخص صالحی فخریه اش همین که بود قوم پشتون این مرد بد سرشت یهودیست و میکشند مخلوق را و روی زمین گشته پر زخون مردم و ظلم و جور تو آورده خاطر اند خواهند از خدا که شوی زود سرنگون این مسندی که داده ایامای برای تو آن را کند خدای جهان نیز واژگون خلاق لا شریک به دوزخ یفگت از بس نموده ای تو خیانت به مؤمنون ذاتی انیس تو به جهنم کی میشود؟ بوش و تن بهو، شیمون و هم شرون باشند این چهار طرفدار اسرائیل او را نمسوده اند مسلط به مسلمان امضا رنگش همان صلح نامه ها ایساف و ناتو نیز کند جیش خود برون افغانستان شود دچار حوادث وی ثبات گردد تمام خلق گرفتار طالبون پرسى اگر تو عامل این فتنه ها کی است مسئول حادثات جهانست بنته گون چه حقه بازی است که اعلان نمیکند کی میکند جلوس بر این تحت بدشگون هر ملک راشهی وامیری ضرورت است تا کی رواست فاقد آن بود و غمگرون؟! \*\*\*\*\*

## حکومت وحدت ملی در فیسوکه (دنباله از صفحه سوم)

پیشنهاد نموده اند تخصص واقعی شان چه می باشد. من در برنامه های مختلف ایشان را دیده ام که با ادبیات و اصطلاحاتی که در ادبیات حقوقی و سیاسی کشور های فارسی زبان حتی رایج نیست، بیحت کارشناس حقوق بین الملل، روابط بین المللی، حقوق جزا و حال هم به حیث متخصص حقوق اساسی بچی را به راه انداخته اند، در کدام رشته کارشناس یا متخصص اند؟! \*\*\*\*\*

## گفتگوی کویش با مقامات پاکستان

۱۲۸ گشت / اسلام آباد - کو کچه: نماینده ویژه سازمان ملل در افغانستان روز چهارشنبه به پاکستان رفت تا بر مسایل انتخابات با مقامات آن کشور دیدار کند. بحران سیاسی افغانستان پس از آن عمیق شد که ناظران تیم اشرف غنی احمدزی به درخواست سازمان ملل پروسه ققیش آرا را ترک کردند. وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد که یان کویش با سرتاج عزیز، مشاور امنیت ملی صدراعظم پاکستان دیدار کرده و در رابطه به نقش سازمان ملل در پروسه انتخابات و انتقال سیاسی با وی صحبت کرد. سرتاج عزیز نیز بر حمایت کشورش از انتقال دمو کراتیک قدرت سیاسی در افغانستان تاکید کرد. عزیز با ابراز امیدواری خاطر نشان کرد که یک افغانستان متحد و قوی از این پروسه بیرون آید.

## بازگشت همه به سوی اوست

- وفات مرحومه بی بی سیده انصاری رادر ورجینیا، به خانواده های محترم انصاری، قریشی و تمام بازماندگان، به ویژه همکار گرامی جناب وحیدانصاری صمیمانه تسلیت میگویم . امید

- وفات مرحوم سرور رنا را در جرمنی، به خانواده های رنا و بار کزی و کلیه باماندگان صمیمانه تسلیت میگویم. امید

- وفات مرحوم جلیل احمد مسحور جمال رادر هالند، به تمام بازماندگان صمیمانه تسلیت میگویم . امید

\*\*\*\*\*

انتجیر رضا افشار

سترویل - ورجینیا

دامان وطن

بر خداوند شکر می گذارم و بر نعمت های او. کو تاه شعری که آنرا شاعر گننام وطن سروده است، و زبان حال هر وطن دوستی چون من است، را بره سم تحفه ناقابل تقدیم می دارم:

رفتی وبه دل مهر و تمنای تو باقیست  
ای رفته ز دامان وطن، بسوی وطن آ  
ای بلبل شوریده ز آلام سفر ها  
پرواز خیال تو بود جانب افساق  
با یک گل افسرده بهاران نتوان شد  
هر خار و خسی نیست چو هرسو و خرامان  
برخیز و بیا و بارث این خانه تو هستی  
شیرین و عزیز است وطن بر همه دل ها  
بی ما و تو این خاک وطن کی شود آباد  
اوضاع وطن لازم همبستگی ما است  
هر چند بود اهل سخن بیش در این جا  
در ساختن ملک و در اعسار مجدد  
در مدرسه و مزرعه و دفتر و فابریک  
السلام علیکم ورحمه الله وبر کاته !  
مطالب ناقابل که احساس قلبی من نسبت به شما وهمه مهاجرین دور از وطن است، حضور تان تقدیم شد.

\*\*\*\*\*

## تری وهراس از حکومت وحدت ملی (دنباله از صفحه ششم)

از دولت مری کار بگرید. آن که در پایان شمارش آرا برنده میشود، ریاست جمهوری افغانستان را حائز میشود، آن که نمی شود از ریاست جمهوری محروم میگردد، کار ناخواسته در قانون اساسی کار صحیح نیست، اختلافاتی را که بین خود در طول تقریب یک سال بار آورده اید، حال اجازه نمی دهد شما کاری بکنید که خلاف قانون اساسی است، شمانمیوانیدخلاف قانون اساسی یک حکومت پارلمانی ایجاد کنید، این شایسته یک ملت مظلوم هم نیست، ملتی که حاکمیت ملی از آنست، طرف بازنده باید تعظیم کند طرف برنده را و برایش تبریک بگوید. اما اپوزیشن قانونی خود را در بیرون از حکومت بسازد، سرتشق سیاسی برای جوانان افغانستان شود که امروز هفتاد درصد نفوس کشور جوانهای ما بند، اینها اپوزیشن رادر بیرون خلق بکنند. نکته راهم درباره اپوزیشن اضافه میکنم: رهبر اپوزیشن در دیگر دنیا کسی است که حزیش بزرگترین و یگانه یا دومین حزب است یا نمایندگی از سایر احزاب میکند. چطور شما می توانید یکی از احزاب در برابر ۱۲۰ حزبی که در افغانستان وجود دارد، بگوید که من رهبر اپوزیشن هستم. این اشتباه و غلط و خلاف قانون اساسی و خلاف علم سیاست است! این اپوزیشن در پارلمان ساخته میشود و حکومت سایه ناایده میشود، حکومت سایه غیر فعال، اما منتظر رسیدن به قدرت، حکومتی که با یک راستکاری متوجه و مترصد حکومت بر حال است، و جمیع اعمال آن نظارت میکند، در برابر هر حرکتش پیشنهادات خود را درست میکند، انتقادات خود را بیان میکند تا نشود که کشور به خطر برود، اما منتظر فرصتی است که در انتخابات آینده به آرامی و بیخوبی به قدرت برسد. این درسی است که ما باید تا حال از دنیای گرفتیم، حیران هستم که این آقایان چرا خود را چپ گرفته اند! چرا اینها پیشنهادی را ارائه میکنند که در دنیا عملی نیست، خدا کند شود، و عوامیکم شود، اما من آینده را بسیار معروض به خطر می بینم، غیر سازگاری بینم و انتظار دارم بیش از اینکه حکومت ساخته شود، به محض اینکه شمارش آرا تمام میشود، با مطالعه همین مصاحبه و دهها نقری که پیش از من، این انتقادات را داشته و ارائه کرده اند، طرفین بینشند و به نتیجه برسند که دولت جوان است، و آنرا باید تقویت کنیم، قانون اساسی را باید رعایت کنیم، و عده های داده شده برای رعایت از قانون را انجام بدهیم. گوش مردم کرشد که طرفین همیشه ادعا میکنند که قانون را تطبیق میکنیم، نباید اینها اولین کسانی باشند که قانون را زیر پا کنند، زیرا تاریخ آنرا فراموش نمی کند. / \*\*\*\*\*

## دو میلیون دود هزار رأی قلبی اشرف غنی (دنباله از صفحه دوم)

امریخیل از صدای ثبت شده اش انکار نمود ولی از وظیفه استعفاداد عبدالله و همکاران از افشای اینکه چسان صدای ثبت شده را بدست آوردند، انکار کردند. داکتر عبدالله هم یک فرد با انرژی در تیم خود داشت، و آن آقای فضل احمد معنوی بود، که در گذشته کمشنر انتخابات در دیوان عالی و اکنون مشاور ارشد او میباشد. مثل امرخیل، معنوی هم منته به قلب آرا در هر دو دور انتخابات شده بود، معنوی در انتخابات ۲۰۰۹ دارای کرسی قطار اول بود، و سه سال بیحیث رئیس کمیسیون اجرای وظیفه نمود و سرپرستی انتخابات پارلمانی را بدوش داشت، که با اتهامات زیاد همراه بود. در مذاکرات کنونی آقای معنوی در خط اول مبارزه داکتر عبدالله با کمیسیون قرار دارد. معنوی گفت: این انتخابات با انتخابات سال ۲۰۰۹ مفرق داشت، در آن جنگسالاران به قلب دست زدند، ولی این بار خود کمیسیون مستقل انتخابات قلب کرد. حتا در داخل دفتر ولایتی انتخابات صندوقها از آرا پر ساخته شدند).

اتهامات آقای معنوی در مورد تشریح تقلبات کنونی و گذشته، بر مامورین در کابل و ولایات طنین انداز شد، برخی ازین مامورین غنی و کرزی را به باد انتقاد گرفتند، ولی بعضی های دیگر شاهد قلب بودند و یا خود در قلب دست داشتند. آن مامورین بیان داشتند که تقلبات توسط حلقه نزدیک به کرزی، وزیران، والی ها، مامورین کمیسیون انتخابات و افراد امنیتی رهبری میگردد.

ملک محمد هاشم یک بزرگ قوم در ارگون بکینا گفت: (قلب ذریعه والی، قوماندان امنیه، کمیسیون انتخابات صورت گرفت)، در ارگون نتایج انتخابات به صورت گسترده به سود غنی بود. حامیان آقای غنی شدت اتهامات را رد نمودند که وی در قلب دست داشته باشد، و با کسی از جانب وی در انتخابات مداخله کرده باشد. اکثر منتقدان کرزی نتوانستند شواهد حاضر کنند که دخالت او را نشان بدهد، ولی آنها بر نقش وی در تغییر سیستم انتخابات تاکید داشتند.

احمدولی مسعود، یک مخالف دراز مدت کرزی، و یک متقد رک گو گفت: (چه چیز سبب قلب در انتخابات شد؟ کی قلب کرد؟ کمیسیون را کی تعیین نمود؟ کرزی!)

بعضی مامورین و بزرگان اقوام در ولایات میگویند پس از دور اول انتخابات، کرزی هدایت داد تا از مبارزه آقای غنی حمایت گردد. ادعای آنها موازی با گزارش دیپلماتها و مامورین در داخل کمیسیون انتخابات میباشد، که گفته اند فشار بسیار زیاد بر کارمندان در اوقات مختلف بحرانی انتخابات وارد میآمد. همچنان شواهد مستقل به میزان زیاد وجود دارد که قلب رایه نفع غنی (دنباله در ستون ۳)

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at [www.amazon.com](http://www.amazon.com).

# Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 23, Issue No. 980, August 27, 2014, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan  
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax: (703) 491-6321 Cell: 571 435 4604  
Email: [mkgawi471@gmail.com](mailto:mkgawi471@gmail.com)

## خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسۀ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هرچه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه اگست ۲۰۱۴ ارسال دارند.

تلفون ۴۳۵-۴۶۰۴-۵۷۱  
[mkgawi471@gmail.com](mailto:mkgawi471@gmail.com)  
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

|  |   |  |
|--|---|--|
| PHONE # (510) 792-2629   | BANK OF AMERICA   | ACCT # 06636-74303   |
| <b>خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.</b>       |   |  |
|  |  | <p><b>PANAH CHARITY</b><br/>P.O. BOX 3131<br/>SAN RAMON, CA 94583<br/><a href="http://www.panahcharity.org">www.panahcharity.org</a><br/><a href="mailto:rbenish@panahcharity.org">rbenish@panahcharity.org</a><br/>501c (3)</p> |

**خوشبینی برای بهتر شدن انگور در هرات** (دنباله از صفحه اول)

با وجود کاهش ۲۰٪ در محصولات انگور امسال از ولایت هرات ۹۵ هزار و ۴۰۰ متریک تن انگور پس از برداشت به بازار محلی و داخلی وارد شد. سال گذشته میزان برداشت این محصول ۱۱۸ هزار و ۶۵۰ متریک تن اعلام شده بود.

عده از باغداران هرات میگویند، انگور برداشتی آنان امسال با قیمت مناسب در بازار محلی و ولایات همجوار بفروش رسیده است و آنان علاقمند به افزایش تا کستانهای خود میباشند. باغداران هرات سرمای بیش از حد هوا در فصل رویش دانه های این میوه و بارش تگرگ ها را از عواملی میدانند که در کاهش سطح تولید این محصول نقش داشته است. در عین حال با توجه به اهمیت این میوه در هرات ریاست زراعت هرات نیز امسال صدها تن از باغداران این میوه را تحت پوشش دوره های آموزشی نحوه نگهداری از باغها و محصول انگور قرار داده در نظر دارد تا سطح برداشت این محصول را در هرات افزایش دهد.

زلال امیدوار است تا با بهره برداری از سردخانه بزرگ هرات که در جوار میدان هوایی ایجاد میگردد راه بهتر برای صادرات این میوه به خارج از کشور نیز جستجو شود. او میگوید: هم اکنون انواع کشمش از میوه انگور در هرات تهیه و به برخی از کشورهای صادر می شود. هرات از جمله مناطق غنی از میوه است که از جمله ۱۲۰ نوع انگور در این ولایت، انگور فقری، لعل، کشمش، عسکری، پوشنگی، حسینی، روچه، لوفی، صاحبی، آبی، مسکه و شنگول خانی معروف و مشهور است.

**دمپسی: کمی بیشتر از پایان امسال بلقی می مانیم!**

۱۲۶ گشت/واشننگن - کو کچه: یک مقام ارشد امنیتی امریکا گفت پنتاگون برنامه خروج خود را تسهیل داده و اگر توافقنامه امنیتی امضا نشود و انتخابات جنجالی ادامه یابد؛ نیروهای امریکایی کمی بیشتر از پایان امسال در افغانستان باقی خواهند ماند. جنرال مارتین دمپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا که روز دوشنبه بسوی افغانستان پرواز میکرد گفت: در شرایط مطلوب اگر توافقنامه امنیتی امضا نشود؛ امریکا تا ۴ ماه آینده باید نیروها و تجهیزات را از افغانستان خارج کند و اگر نیاز باشد؛ امریکا میتواند به زودی نیروهایش را خارج کند و ارتش این طرح آماده را دارد؛ در صورتی که بن بست انتخابات ادامه یابد.

جنرال دمپسی برای حضور در مراسم تغییر فرماندهی نیروهای امریکا به کابل آمده است. او اذعان کرد که از انتقال قدرت سیاسی در افغانستان نگران است، و تاکید کرد: فکر میکنم این بسیار مهم است که آنان یک راهی را پیدا کنند که بازنده را نیز جای دهند؛ زیرا در اینجا یک پیروزی و یک مغلوب شدن نیست؛ بلکه توافق بر تقسیم قدرت است. دمپسی گفت تاکنون مشخص نیست کدام یک از نامزدان در نشست سران ناتو شرکت خواهد کرد.

### عبدالله و احمدزی از روند ابطال آرا ناراض اند

۱۲۵ گشت/کابل - بی بی سی: همزمان با آغاز روند ابطال آرا، روند بررسی ویژه شش هزار رأی هم شروع شد که ۲۸ درصد کل آرا است. کمیسیون مستقل انتخابات در اولین جلسه، یک روز نام (روند ابطال آرای انتخابات ریاست جمهوری) برگزار کرد، آرای ۷۲ محل رأی گیری را باطل اعلام کرد. تعداد آرای موجود در صندوقهای این محلات را کسی نمیدانند اما به اساس جدولیکه کمیسیون منتشر کرد، این صندوقها مربوط ولایتهای کاپیسا، میدان وردک، لوگر، بامیان، غزنی، پکتیکا، پکتیا، قندوز، پنج، ارزگان، زابل، قندهار، فاریاب، هیرمند و هرات است. هنوز روشن نیست که ۷۲ محل، شامل چه تعداد آرای است.

تعداد کل صندوقها، ۲۲۸۸ صندوق است، ۱۶۳۶۳ صندوق (۷۲ درصد) بررسی شده، ۴۶۴ صندوق (۲۸ درصد)، زیر بررسی و ویژه قرار دارد. ابطال آرا در چندین جلسه صورت میگیرد. در جلسه اول ۳۶۴۵ محل به بحث گرفته شد و ۷۲ محل آن باطل اعلام شد، ۲۸۷۶ محل معتبر خوانده شد و ۶۹۷ محل به بررسی مجدد رفت. هیرمندا ۲۷ صندوق و قندهار ۲۱ صندوق از ولایاتی اند که در دور اولین بررسی روند ابطال آرا، بیشترین صندوق از دست داده اند.

یک مقام کمیسیون انتخابات در پاسخ به این سوال که بیشتر رای کدام نامزد باطل شده گفت: بخاطر حساسیت وضعیت نمیگوید که از ۷۲ صندوق چه تعداد رای مربوط کدام نامزد است. اما گفت که نام ولایات در جدول محلات باطل اعلام شده مشخص است و رسانهها میتوانند در این باره آرای کدامیک از دو نامزد باطل شده است.

به اساس نتیجه ابتدایی دور دوم انتخابات احمدزی در هردو ولایت نسبت به عبدالله، رای بیشتری داشت. ۷۲ محل که آرای شان باطل اعلام شده مربوط ۵ ولایت است؛ عمدتاً ولایتهای که غنی در آنها نسبت به عبدالله پیشتر بوده است. اما این محاسبه هیچگاهی نمی تواند روشن کند که آرای باطل اعلام شده الزاماً آرای احمدزی بوده است. با این حال ستادهای انتخاباتی می توانند ظرف ۲۴ ساعت آینده در مورد ابطال آرا استیناف خواهی کنند.

آمار گنگ و روند پیچیده: روشن نبودن تعداد آرای بررسی شده، تعداد آرای باطل شده و تعداد آرای که پس از بررسی دوباره به بازشمار می رفته، ستاد های انتخاباتی را خشمگین کرده است. آمار کمیسیون هم مبتنی بر درصد و تعداد محلات است نه تعداد آرا. آرای که باطل اعلام شده، بخشی از شش هزار صندوق است که در مرحله اول بررسی بعنوان آرای مشکوک کنار گذاشته شده بودند. حالا از این میان، ۳۶۴۵ صندوق بررسی مجدد شده، که آرای ۲۸۷۶ صندوق رای پاک اعلام شده، ۹۷ صندوق برای بررسی های بیشتر کنار گذاشته شده و رای ۷۲ صندوق هم باطل اعلام شده است.

### ۲۲ کشته و ۱۴ زخمی نتیجه حمله تروریستی

۱۸ جولای/بادغیس - ماندگار: مسئولان ولایت بادغیس روز یکشنبه گفتند در ولسوالی آب کمری یک موترلاری که حامل انسانها و حیوانات بود، از مسیر جاده منحرف شده و در نتیجه این رویداد ۳۳ نفر کشته و ۱۳ نفر مجروح شده اند. این حادثه بعد از ظهر روزشنبه (۱۴/۸/۱۶) در منطقه چارسنگی رخ داده است. لاری که حامل اعضای چهار خانواده بود، دفعتاً چپ شده و خسارات مالی و جانی را به بار آورد.

**امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید از شما ممنون می شوند.**

### اوباما خواهان پیشرفت در روند سیاسی و فنی انتخابات افغانستان شد

۱۲۳ گشت/واشننگن - بی بی سی: بعد از تشنه های انتخاباتی و سفر دوباره جان کری وزیر خارجه امریکا به کابل، دو نامزد انتخاباتی افغانستان اعلامیه مشترک امضا کردند. عبدالله و احمدزی، بعد از صحبت تلفونی دیشب باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا با آنها، امروز به منظور بحث بیشتر بر سر صلاحیت پست اجرایی و توافق بر سر دولت وحدت باهم دیدار کردند. آنان مشغول گفت و گو اند که چگونه میتواند در دولت آینده باهم یکجا کار کنند. گفتگوهایمان اعضای تیم های آنها در دو هفته گذشته پیشرفت آهسته داشت. تاکنون از جزئیات این دیدار اطلاعات زیادی در دست نیست، ولی فضل الرحمن اوریا، عضو ستاد عبدالله و صدیق پتمن عضو ستاد احمدزی گفتند در هر دو در این نشست دستاوردهای قابل ملاحظه ای داشته اند.

بعد از تشنه های انتخاباتی و سفر دوباره جان کری وزیر خارجه امریکا به کابل، دو نامزد انتخابات اعلامیه مشترک امضا کردند. در این اعلامیه به تشکیل دولت وحدت ملی و ایجاد پست اجرایی تاکید شده است.

به منظور ارائه تعریف مشخص از صلاحیت های پست اجرایی و ساختار دولت وحدت ملی، چهارشنبه، ۲۲ اسد تیم فنی دو ستاد به شکل رسمی کار را آغاز کردند. در جریان نشست دو تیم فنی اعلام کردند به توافق های مهم درباره ساختار حکومت و وحدت ملی دست یافته اند، ولی نقطه حل نشده در نشست تیم فنی دو ستاد، صلاحیت های مقام اجرایی بود. به نظر میرسد که نرسیدن به توافق نهایی بر سر این موضوع، باعث شده که باراک اوباما، شب گذشته با دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به صورت جداگانه تلفنی گفت و گو کند. اوریا گفت اوباما خواستار پیشرفت روند سیاسی و فنی انتخابات شده و اینکه افغانستان به بحران کشانده نشود و عبدالله نیز اطمینان داده که او متعهد به تحقق توافق انجام شده است. پتمن نیز گفت رئیس جمهور امریکا در صحبت با اشرف غنی ابراز امیدواری کرده که برای ختم روند بررسی آرا و تشکیل حکومت وحدت ملی، هردو تیم به توافق برسند.

توافق بر سر صلاحیت پست اجرایی که در اعلامیه مشترک امضا شده توسط دو نامزد آمده، به نظر میرسد بحث اصلی امروز بود. در اعلامیه مشترک امضا شده توسط دو نامزد آمده: تا زمانیکه مقام صدراعظم اجرایی بر مبنای قانون اساسی ایجاد شود، و وظایف صدراعظم اجرایی را رئیس اجرائیوی حکومت پیش خواهد برد. این مقام بلافاصله توسط فرمان رئیس جمهور ایجاد شده و توسط شخصی که از طرف کاندیدای دومی انتخابات معرفی و از جانب رئیس جمهور تایید گردیده باشد، اشغال می گردد.

اینکه درباره صلاحیت رئیس اجرایی امروز چه پیشرفت های بدست آمده، اوریا بدون اشاره به جزئیات گفت پیشرفت های صورت گرفته. پتمن نیز در باره نشست امروز گفت هر دو تیم باهم ملاقات کردند تا درباره آنچه که کمیته وحدت ملی به این دو رهبر محول کرده بود، بحث کنند. صلاحیت رئیس اجرایی، موقوف رهبر اپوزیسیون و سایر موضوعات که به صلاحیت حکومت وحدت ملی مربوط می شود، از مسایل مورد بحث امروز بود. پتمن نیز ملاقات را مثبت و امیدوار کننده خواند و گفت: پیشرفت برای حل مشکلات صورت گرفته است و امیدوار هستم که حل نهایی در ملاقات های آینده به دست آید.

### پنج میلیارد دلار خساره بخاطر بحران انتخابات

۲۵ اگست/کابل - بی بی سی: حضرت عمر زاخیلوال، وزیر مالیه اعلام کرد طولانی شدن روند انتخابات در بیش از ۵ میلیارد دلار به اقتصاد کشور صدمه زده و حدود ۶ میلیارد دلار سرمایه شخصی مردم نیز از کشور خارج شده و این ضرر اقتصادی تاثیرات طولانی مدت خود را حتی بعد از انتخابات نیز خواهد داشت و کاهش تاثیرات این زیان اقتصادی مدت زیادی را در بر خواهد گرفت.

بودجه سال ۱۳۹۳ افغانستان: مجموع بودجه: ۷،۹ میلیارد دلار، درآمد داخلی: ۲،۳ میلیارد (۸۰۰ میلیارد دالیا) و ۴۷۹ میلیون از درآمد معادن درآمد خارجی: ۵،۱ میلیارد، کسر بودجه: ۴۴۶ میلیون دلار. تعداد کارمندان دولت: ۸۴۵ هزار نفر، پیشبینی رشد داخلی: ۳،۲٪ میزان بیکاری مخفی: ۷۷ درصد (کشاورزان) وزیر مالیه در ادامه هشدار داد در صورت طولانی تر شدن روند انتخابات و عدم اعلام نتایج آن، افغانستان دچار بحران مالی میشود. در آن صورت دولت درآمد مورد نیاز را نتواند داشت تا حقوق کارمندان را بپردازد و در صورتیکه دولت قادر به پرداخت معاش کارمندان نباشد، بحران جدی در کشور شکل خواهد گرفت و دولت مجبور خواهد شد، معاش کارمندان دولت را کاهش دهد و برخی از کارمندان را نیز از وظایف شان برکنار کند.

بر اساس اعلام وزارت مالیه، در آمد امسال نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد کاهش یافته است. وزیر مالیه درباره جزئیات این خسارتهای اقتصادی و کاهش درآمد دولت اطلاعات زیادی ارائه نکرد، ولی صاحب نظران اقتصادی معتقدند که وابستگی بودجه افغانستان به کمک های بین المللی باعث شده که این بودجه همواره شکننده و آسیب پذیر باشد.

در سند بودجه سال ۱۳۹۳ نیز وزارت مالیه یاد آور شده بود که بودجه عادی امسال که از درآمد داخلی تامین می شود، نسبت به سال گذشته کاهش ۹ میلیارد افغانی (حدود ۱۶۰ میلیون دلار) خواهد داشت.

### مسحور جمال هنرمند مشهور وفات یافت

۲۵ اگست/هالنند - بی بی سی: جلیل احمد مسحور جمال از پیشکسوتان موسیقی افغانستان روز یکشنبه دوم ماه سنبله/شهریور در ۶۹ سالگی در شهر آنهام هلند در گذشت. او در چند سال گذشته، از بیماری سرطان رنج می برد. مسحور جمال را از پیشکسوتان موسیقی حماسی در افغانستان میشناسند که با آهنگهای مینوی و حماسی خود بیشتر شهرت داشت. مسحور جمال در ۱۳۲۴ (۱۹۴۵ م) در شهر کابل متولد شد. وی از دوران کودکی علاقمند موسیقی شد و با استفاده از ترانه های استاد غلام حسین آواز خوان اهل خرابات یاسک هندی موسیقی در مراسم رسمی در مکتب آواز خوانی می کرد.

سالها پیش خودش در مصاحبه ای با بی بی سی گفته بود که بار نخست در اوایل دهه چهل خورشیدی در کنسرتی به مناسبت جشن استقلال افغانستان آواز خواند و از همانجا راهش به رادیو کابل باز شد و بعد از آن با جمعی از جوانان اهل موسیقی مانند احمد ظاهر، ظاهر هویدا، رحیم جهانی و دیگران گروهی را ایجاد کردند و حلقه دیگری از آما توران یا آواز خوانان را تشکیل دادند که بیشتر به موسیقی غربی و نواختن آلات موسیقی غربی توجه داشتند. او تحصیلات عالی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کابل به پایان رساند و معلم زبان فارسی در لیسۀ حبیبیه شد.

شادروان جلیل احمد مسحور جمال

مسحور جمال در دهه شصت خورشیدی بیشتر به ساخت و اجرای آهنگ های مینوی و انقلابی روی آورد و آهنگهای مینوی زیادی را خواند و با هم دیگران ساخت. البته قبل از آن نیز او ترانه های مینوی ساخته بود. یکی از ترانه های مینوی اش که هنوز در رسانه ها پخش میشود دلیرادان و خواهران یکی شوبلم مسحور جمال هم آواز خوان وهم نوازنده خوب فلوت بود و در آهنگ سازی دست بالایی داشت. برای بسیاری از آواز خوانان افغان از جمله احمد ظاهر، ظاهر هویدا، یونس، ژایلا و هنگامه آهنگ ساخته است.

### پیام وزیر اطلاعات و فرهنگ به مناسبت مرگ شاعر نامدار معاصر سیمین بهیمانی

۱۹ اگست/کابل - باختر: در پیام دکتر سید مخدوم رهین آمده: بانوده فراوان اطلاع یافتیم که یکی از زنان سخنور و شاعر نامدار زبان دری از جهان فانی چشم پوشیده است. سیمین که مانند فروغ فرخ زاد، پروین اعتصامی و محجوبه هروی از جمله زنان سخنور معاصر برای تمام شاعران افغان بخصوص شاعران افغان مورد تکریم بود و اشعارش در آهنگهای آواز خوانان ماطین انداخته بود، چشم از جهان پوشید و به ابدیت پیوست. مرگ این بانوی شاعر را به همه دوست داران شعر و ادب تسلیت میگویم.

خانم سیمین حسن زاده معین امور نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ شاعر و نویسنده کشور نیز در گذشت جانگداز سیمین بهیمانی شاعر مشهور فارسی زبان را یک ضایعه بزرگ به جامعه ادبی دانسته، تألم و تأثر جامعه ادبی افغانستان را به خانواده و دوست داران حوزه شعر فارسی ابراز میدارد.

### کتابخانه ملی افغانستان در کابل اعمار میشود

۱۲۵ گشت/کابل - باختر: نخستین جلسه هیئت تأسیس کتابخانه ملی افغانستان امروز به ریاست دکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ با اشتراک استاد یار نبی فراهی معین توربسم و دکتر سید ضیا حسینی مشاور ارشد وزارت امور شهر سازی و سایر مسئولان ذیربط دایر شد و درباره نقشه و طرح کتابخانه ملی افغانستان که قرار است روی قطعه زمینی به مساحت شانزده جریب زمین در منطقه یک، توت اعمار گردد بحث و مذاکره صورت گرفت.

### جلسه کمیسیون آماده سازی بامیان، بحیث پایتخت فرهنگی سارک داپرشد

۱۲۵ گشت/کابل - باختر: کمیسیون آماده سازی بامیان، بحیث پایتخت فرهنگی سارک به ریاست دکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ و رئیس آن کمیسیون جلسه کرد. در این جلسه که به اشتراک محمد آصف رحیمی وزیر زراعت و آبیاری، نجیب الله اوژن وزیر فواید عامه، داوود علی نجفی وزیر ترانسپورت و هوآوردی، دکتر حسن بانو غضنفر وزیر امور زنان، انجنیر محمد یوسف پشتون مشاور ارشد رئیس جمهور در امور ساختمانی، دکتر جنرال غلام علی وحدت والی بامیان، نمایندگان وزارت امور خارجه، مالیه، اداره مستقل ارگانهای محلی حفاظت از محیط زیست، و شهردار بامیان برگزار شد. در این جلسه مسایل مربوط به آماده سازی بامیان برای سال ۲۰۱۵ بحیث پایتخت فرهنگی سارک در ابعاد مختلف مورد بحث و مذاکره قرار گرفته و موارد مورد نیاز به تصویب رسید.

قرار است مصوبه این جلسه به شورای وزیران تقدیم شود.

شادروان جلیل احمد مسحور جمال